
حقوق زنان

تجربها



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

پروژه

e-collaborative
for civic education



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

تجربه‌ها؛ حقوق زنان

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

تدوین: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

© E-Collaborative for Civic Education 2014

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	خواهران مسلمان؛ محافظت از حقوق زنان در مالزی
۱۷	جنبش اصلاح مدونه؛ انقلابی مسالمت‌آمیز برای زنان مراکشی
۳۱	جنبش فمینیستی آمریکا؛ دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و رفع موانع برای زنان
۴۷	کمپین یک میلیون امضا؛ تغییر برای برابری در ایران
۶۵	نجد علی؛ مبارزه علیه ازدواج کودکان در یمن

مقدمه

ایالات متحده است. هدف این سازمان استفاده از فناوری برای ارتقای آموزش‌های شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک است.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان، علاقه‌ای عمیق و مشترک به ایده‌های شکل‌دهنده جوامع باز داریم. از جمله اولویت‌های ما در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک: شهروند، دانشش و مسئولیت شهروندی او است و ما این‌ها را به اندازه حقوق عام بشر که هر شهروند باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادین می‌دانیم. "ECCE"، دموکراسی را تنها نظام سیاسی‌ای می‌داند که قادر به تأمین برابری، عدالت و طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان است.

ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و همچنین مجموعه‌ای از نهادها و فرآیندها میدانیم که صلح و تکررگرایی را پرورش می‌دهد و جوامع شایسته‌سالاری را به وجود می‌آورد که در آن به کرامت انسانی و دستاوردهای بشر ارج می‌گذارند.

در سال ۲۰۱۰ ما پروژه اصلی سازمان "ECCE"، یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را راهاندازی کردیم. آموزشکده توانا نهادی آموزشی و پیشگام با دسترسی آزاد در فضای مجازی است که برای دانشجویان در سراسر کشور با ارائه دروس و برگزاری دوره‌های آموزشی به صورت ناشناس، زنده و کاملاً امن، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد تبدیل شده است. این دروس موضوعاتی متنوع مانند دموکراسی و گذار دموکراتیک، قوانین مربوط به حقوق بشر، حقوق زنان، فعالیت شهروندی بدون خشونت، جدایی دین و حکومت، مهارت‌های رهبری، درمان آسیب‌های روانی، روزنامه‌نگاری شهروندی، حقوق

کارگری و سازمان‌دهی کارگران، حقوق دگرباشان، امنیت دیجیتال و موضوعات دیگر را دربر می‌گیرد. مطالب کلاس‌های توانا و مطالعات جانبی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی این موسسه که فعال هستند و همچنین از طریق چندین کانال ماهواره‌ای ایرانی به صورت وسیعی در دسترس عموم قرار می‌گیرند. ما علاوه بر انتشار ویدیوی کلاس‌ها و پادکست‌ها، به ارائه انحصاری خودآموزها، ارائه مصاحبه‌ها با فعالان و متفکران (از جمله مشاهیری همچون واتسلاو هاول)، انتشار آموزش‌های عمومی، تدوین منابع کتابخانه و انتشار آن‌ها، ارائه ابزارهای کمکی و رهنمودهایی برای مدرسان ایرانی و همچنین حمایت مداوم و خدمات مشاوره آموزشی برای دانشجویان نیز می‌پردازیم. گستردگی آموزه‌های توانا و توجه به تمام ابعاد حقوقی موجب جلب اعتماد طیف وسیعی از فعالان ایرانی در عرصه شهروندی به این آموزش‌شکده شده است.

علاوه بر منابع کمک آموزشی که بیشتر ذکر شد، توانا تولید کننده مطالعات موردی نیز است که شما می‌توانید در بخش «تجربه‌ها» به آن‌ها دسترسی داشته باشید. این مطالعات به بررسی ارزش‌ها، راهکارها، فعالیت‌های ریشه‌ای، فناوری‌ها، عملکرد رهبران حرکت‌های ریشه‌ای محلی و همچنین عملکرد رهبران بزرگ‌ترین جنبش‌های شهروندی برای آزادی می‌پردازد و دارای سه طبقه‌بندی جنبش حقوق زنان، جنبش متکی بر تکنولوژی و جنبش‌های دموکراسی خواهانه و حقوق بشر است که در کنار یکدیگر، اشتیاقی جهانی به دموکراسی را نشان می‌دهند. این تجربه‌ها همچنین نمایانگر تنوع روش‌های مختلف فعالیت شهروندی در جنبش‌های اجتماعی است و اینکه فعالیت شهروندی تا چه اندازه در گسترش آزادی‌های شهروندی و سیاسی در جهان ضروری است.

ما معتقدیم این مطالعات و آموزش‌های مقایسه‌ای، در ایجاد یک جنبش دموکراتیک موفق و همچنین استقرار و تحکیم اصول بنیادینی که از یک جامعه باز و پذیرا در ایران محافظت می‌کنند، بسیار حیاتی هستند. امیدواریم که این مطالعات موردی نه تنها موجب آگاهی بیشتر ایرانیان درباره تاریخ و مبارزات شهروندی منحصر به فرد نقاط دیگر جهان شود که برای آن‌ها روشن‌گر اهداف، استراتژی‌ها و ابزارهایی باشد که در این مبارزات در فرهنگ‌های مختلف استفاده می‌شوند.

هر کدام از مطالعات موردی توانا نتیجه سپری شدن فرآیندها و زحمات فشرده‌ای پیش از انتشار است که شامل تحقیقات عمیق گروهی، ویرایش و تایید مدارک می‌شود. این مطالعات بر اساس استانداردهای روش تحقیق انجام می‌شوند که به طور متشکل به موضوعاتی چون دیدگاه، رهبری، گسترش پیام و ساخت ائتلاف، و موضوعات دیگر می‌پردازد. در بسیاری از موارد، منابع مطالعات، حاصل مصاحبه‌های اختصاصی توانا با متخصصان بین‌المللی، فعالان و همچنین خود رهبران جنبش‌ها است. در سراسر مطالعه بر تجربه‌ها، روی تاکتیک‌های بدون خشونت تأکید می‌شود که در پیروزی آن جنبش‌ها نقش اساسی داشته‌اند. هر مطالعه موردی در حقیقت دعوتی برای مطالعه بیشتر است و به همین دلیل بخش «بیشتر بیاموزید» در تمام آن‌ها گنجانده شده است و در نهایت، تمامی مطالعات موردی به دو زبان فارسی و انگلیسی در دسترس هستند تا خواننده به یادگیری زبان نیز تشویق شود.

ما همیشه سپاسگزار بازخوردهای شما هستیم و از پیشنهاداتان در مورد موضوعاتی که جایشان در بخش تجربه‌ها خالی است، استقبال می‌کنیم.

اکبر عطری

Akbar Atri

مریم معمارصادقی

M. Memaradepi



خواهران مسلمان

محافظت از حقوق زنان

در مالزی

Sisters in Islam

Protecting Women's Rights
in Malaysia

Vision and Motivation

Malaysian society was in a period of constant upheaval after gaining independence from Great Britain in 1957. This upheaval, including the 1969 race riots between indigenous and non-indigenous Malays, rapid modernization and industrialization, and nationalist economic and social policies that disenfranchised poor Malaysian Muslims, served as catalysts for Malaysia's Islamic Revival in the late 1970s. Gradual governmental changes implementing pro-Islamic policies propagated by the Dakwah students' movement finalized Malaysia's conversion into an Islamic state by the early 1980s.¹ The ideological shift in Malaysia meant that Muslims were expected to live under Sharia, a system of Islamic laws that quickly superseded the

بینش و انگیزه

جامعه مالزی پس از به دست آوردن استقلال خود از بریتانیای کبیر در سال ۱۹۴۶، در دورانی از ناآرامی پیوسته قرار داشت. این ناآرامی‌ها از جمله شورش‌های نژادی ۱۹۶۹، میان مالزیایی‌های بومی و غیربومی، نوسازی سریع و صنعتی شدن و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ملی که مسلمانان مالزیایی فقیر را در شرایط محرومیت قرار می‌داد، به صورت کاتالیزورهایی برای احیای اسلام در مالزی در اواخر دهه هفتاد عمل می‌کردند. تحولات تدریجی دولت در اجرای سیاست‌های اسلام‌گرایی که توسط جنبش دانشجویی داکوا نشر می‌یافت، موجب تغییر مالزی به یک دولت اسلامی در اوایل دهه ۱۹۸۰ شد.^۱ تحول ایدئولوژیک در مالزی به معنای آن بود که مسلمانان می‌خواستند تحت دستورات شریعت زندگی کنند؛ یعنی همان نظام حقوق اسلامی

laws set forth in Malaysia's constitution.² Since the Islamic Revival, women's rights have been under attack in a judicial system that stripped women of fundamental human rights and enabled men to justify spousal abuse and polygamous marriages.

In response to the adoption of such discriminatory laws, women's rights organizations began to publicly address issues of gender equality. In 1985, the Joint Action Group, a broad coalition of women's organizations, declared domestic violence a social concern in Malaysia and sought to pass legislation that would put an end to this abuse.³ Zainah Anwar, an active member of the JAG campaign, discovered that the general discourse on women's rights blamed Islam for Malaysia's gender rights inequality. While many women's rights groups believed that Islam had created the problem, Anwar argued that it was the patriarchal interpretation of Islam that caused injustices against women. It was this principle upon which Anwar founded Sisters in Islam in 1988.

Goals and Objectives

Zainah Anwar founded Sisters in Islam to counter the predominant discourse on Islam and women's rights in Malaysia, and to facilitate a broader conversation about a progressive interpretation and role of Islam in daily life. By 1988, the JAG was calling for a Domestic Violence Act which would criminalize spousal abuse in Malaysia. The Domestic Violence Act, which was not passed by the parliament until 1994,

که به سرعت، قوانین وضع شده در قانون اساسی مالزی را پشت سر می‌گذارد.^۲ از زمان احیای اسلامی، حقوق زنان از سوی یک نظام قضایی که زنان را از حقوق ابتدایی انسانی، محروم و مردان را قادر به توجیه سوء رفتار با همسران و چند همسری می‌کند، مورد حمله واقع شده است. در واکنش به اتخاذ این نظام حقوقی تبعیض‌آمیز، سازمان‌های حقوق زنان در عرصه عمومی آغاز به بحث در مورد موضوعات مرتبط با برابری جنسیتی کردند. در سال ۱۹۸۵، «گروه کنش همراه»، ائتلافی از سازمان‌های زنان، خشونت خانگی را به عنوان یک مسئله اجتماعی در مالزی اعلام کرد و در پی این بود که قوانینی در این مورد به تصویب برسد تا به این سوء رفتار پایان دهد.^۳ زینا انور، یکی از اعضای فعال مبارزه «گروه کنش همراه» به این نکته پی برد که گفتمان عمومی در مورد حقوق زنان، اسلام را برای نابرابری حقوق جنسیتی در مالزی سرزنش می‌کند. بسیاری از گروه‌های حقوق زنان بر این باور بودند که اسلام این مشکل را ایجاد کرده است اما انور استدلال می‌کرد که تفسیر پدرسالارانه از اسلام، موجب این بی‌عدالتی علیه زنان شده است. بر اساس همین اصل بود که انور، گروه خواهران مسلمان را در ۱۹۸۸ تاسیس کرد.

اهداف و مقاصد

زینا انور، خواهران مسلمان را برای مقابله با گفتمان غالب در مورد اسلام و حقوق زنان در مالزی تاسیس کرد. او می‌خواست بحث گسترده‌تر در مورد تفسیر مترقی و نقش اسلام در زندگی روزمره را تسهیل کند. «گروه کنش همراه» تا سال ۱۹۸۸، به دنبال قانون خشونت خانگی بود تا سوء

could not have become law without Sisters in Islam. As the only Islamic organization within the JAG, Sisters in Islam challenged Malaysia's Ministry of Religion's assertion that the law would not apply to Muslims even if it were passed, due to the lack of political support that it had from the Muslim community. Sisters in Islam demonstrated that Islam does not support domestic abuse or the subjugation of women, thereby nullifying the government's argument against the application of the DVA to both non-Muslims and Muslims.

While the Domestic Violence Act was passed and implemented in 1994, Sisters in Islam knew that truly ending discrimination against women would take more than a piece of legislation. In order to achieve a much broader goal, Sisters in Islam sought to educate the Malaysian public through pamphlets advocating a new interpretation of Islam that encompasses equality and justice for women. According to Sisters in Islam activist Nora Murat, "Hopefully, through this process, we can help to engender more informed public discussion on the issue, and build a constituency that will support our advocacy for a more enlightened and progressive Islam to take root in Malaysia."⁴ Ultimately, Anwar says, "I hope that in ten years' time, Sisters in Islam can close shop. That we don't have to exist because all these problems will be solved, that we have a transformation of the teachings of Islam and the understanding of Islam and Islamic laws that recognize equality and justice."⁵

رفتار با زنان در مالزی، جرم اعلام شود. قانون خشونت خانگی که تا سال ۱۹۹۴، در پارلمان به تصویب نرسیده بود، بدون کمک خواهران مسلمان نمی‌توانست به قانون تبدیل شود. خواهران مسلمان به عنوان تنها سازمان اسلامی در «گروه کنش همراه» ادعای وزارت مذهب مالزی را مبنی بر اینکه این قانون حتی اگر تصویب شود، ممکن است بر مسلمانان اطلاق نداشته باشد، رد کرد به خاطر اینکه این وزارتخانه چنین حمایتی را از جامعه مسلمانان نداشت. خواهران مسلمان نشان دادند که اسلام، خشونت خانگی یا تسلط بر زنان را حمایت نمی‌کند و بر همین اساس، ادعای حکومت علیه اطلاق قانون خشونت خانگی برای غیرمسلمانان و مسلمانان را باطل اعلام کرد.

قانون خشونت خانگی در سال ۱۹۹۴، تصویب و به اجرا گذاشته شد اما گروه خواهران مسلمان می‌دانست که پایان بخشیدن حقیقی تبعیض علیه زنان، به چیزی بیش از یک قانون‌گذاری نیاز دارد. گروه خواهران مسلمان برای دستیابی به هدفی گسترده‌تر، به دنبال آن بود که مردم مالزی را با دفترچه‌هایی برای دفاع از تفسیر تازه‌ای از اسلام که برابری و عدالت برای زنان را دربردارد، آگاه سازد. بر طبق نظر نورا مورات، یکی از خواهران مسلمان، «خوشبختانه از طریق این فرایند ما می‌توانیم بحث عمومی آگاهانه‌تری در مورد این موضوع داشته باشیم و شهروندانی را بسازیم که از مدافعه ما برای رسیدن به اسلامی مترقی و روشن‌گر که در مالزی ریشه پیدا کند، حمایت کنند.»^۴ انور می‌گوید در نهایت «امید من این است که در یک دوره ده ساله، خواهران مسلمان بتوانند کار خود را پایان دهند. ما مجبور نیستیم که باشیم چون همه این مشکلات حل خواهند شد؛ ما باید تحولی در آموزش اسلام و درک اسلام و

Leadership

Prior to founding Sisters in Islam, Zainah Anwar had formed a study group to analyze the importance of domestic violence legislation and the role that Islam played in the subordination of women in Malaysia. Anwar knew she and her colleagues were not the only ones who believed that Islam could support feminist ideals: "The reason I became involved in this movement was just outrage, really, over injustices perpetrated in the name of God. For me, leaving Islam or ignoring Islam is not an issue at all. I think for all of us who were there from the start [of SIS], we were concerned with why Islam was being used to justify domestic violence, oppression and discrimination."⁶

Anwar hoped to offer leadership and guidance to women who did not view the patriarchal mullahs as the sole interpreters of Islam. By filling that unique ideological vacuum, Sisters in Islam have been able to educate women by reframing the traditional readings of Islam in a way that offers more just interpretations supporting women's rights.

According to Anwar, "Being inclusive, being consultative, [and] being unselfish about power [are] very, very important characteristics for the leader of a social movement to have."⁷ It is this ability to collaborate and to inspire and motivate others, along with her outreach efforts, which have enabled Anwar to become a leading voice for progressive, Islamic feminism and to empower women within the Islamic community worldwide.

حقوق اسلامی که برابری و عدالت را به رسمیت می‌شناسند به وجود آوریم.^۵

رهبری

زینا انور قبل از تاسیس خواهران مسلمان، یک گروه مطالعاتی برای تحلیل اهمیت قانون‌گذاری در مورد خشونت خانگی و نقش اسلام در تسلیم و تبعیت زنان در مالزی تشکیل داده بود. انور می‌دانست که او و همکارانش تنها کسانی نیستند که باور داشتند اسلام می‌تواند حامی آرمان‌های فمینیستی باشد: «دلیل آنکه من در این جنبش درگیر شدم این بود که حقیقتاً از بی‌عدالتی به نام خدا عصبانی بودم. برای من، ترک اسلام یا نادیده گرفتن اسلام ابدا مسئله‌ای نیست. من فکر می‌کنم برای همه ما که از آغاز شکل‌گیری خواهران مسلمان حضور داشته‌ایم، دغدغه آن بود که چرا اسلام برای توجیه خشونت خانگی، سرکوب و تبعیض، مورد استفاده واقع می‌شود.»^۶

انور امید داشت، زنانی که ملاحای پدرسالار را تنها مفسران اسلام نمی‌دانستند را راهنمایی کند. خواهران مسلمان با پر کردن این خلا منحصر به فرد ایدئولوژیک، توانسته‌اند زنان را با تفاسیر جدید به وجهی آموزش دهند که اسلام را ارائه‌کننده تفسیری حامی حقوق زنان بدانند.

بنا به نظر انور، «شمول، مشاوره (و) عدم خودپسندی در مورد قدرت، ویژگی‌های بسیار بسیار مهم رهبری یک جنبش اجتماعی هستند.»^۷ این توانایی همکاری و الهام بخشیدن و تحریک بخشیدن به دیگران، همراه با تلاش برای ارتباط برقرار کردن بود که انور را قادر ساخت به یک صدای هدایت‌کننده برای فمینیسم اسلامی مترقی تبدیل شده و زنان را در درون جامعه اسلامی در سطح جهان قدرت بخشد.

Civic Environment

Malaysia's Islamic Revival of the late 1970 and the ensuing establishment of Sharia law left women, alongside religious and ethnic minorities, disenfranchised in their own state. While domestic violence had always been considered a criminal offense, Sharia offered legal justification for spousal abuse, as well as other discriminatory practices against women. According to the Malaysian Women's Aid Organization, "Domestic violence was regarded as a private family matter, and police and the courts were generally unwilling to take action against batterers because it was generally believed to be sanctioned by Islamic law."⁸

Despite the overtly religious role played by the state, Sisters in Islam and other women's movements have been able to democratically petition the government for increased rights. Anwar explains, "Even if we are not mullahs, we can, as citizens of a democratic society, speak up, and if religion is used as a source of law or public policy then every citizen has a right to speak on religion and on laws based on religious principles."⁹ Sisters in Islam's most formidable opponents are not the state, but rather a male-dominated society which views the empowerment of women as an infringement on its own power. However, since the passage of the Domestic Violence Act, according to Sisters in Islam lawyer K. Shanmuga, "The High Court [has] adopted the modern approach which gives fundamental liberty more emphasis."¹⁰

فضای مدنی

احیای اسلامی مالزی در اواخر دهه هفتاد میلادی و شکل دادن به قوانین شریعت پس از آن، زنان را همراه با اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور خویش، محروم و ناامید رها کرد. خشونت داخلی همواره به صورت یک حمله مجرمانه تلقی شده است اما شریعت برای این سوء رفتار با همسران و نیز دیگر اعمال تبعیض‌آمیز علیه زنان، توجیه قانونی فراهم کرد. بنا به سازمان کمک زنان در مالزی «خشونت خانگی به صورت یک موضوع خانوادگی خصوصی لحاظ شده است و پلیس و دادگاه‌ها عموماً نخواستند علیه حمله‌کنندگان، اقدامی به عمل آورند چون عموماً باور آن است که این کار توسط حقوق اسلامی مجاز شمرده شده است.»^۸

خواهران مسلمان و دیگر جنبش‌های زنان، علی‌رغم نقش مذهبی آشکاری که دولت ایفا می‌کند، قادر بوده‌اند به نحوی دموکراتیک از حکومت، خواهان حقوقی فزاینده باشند. انور در این مورد می‌گوید: «حتی اگر ما ملا نباشیم، به عنوان شهروندان یک جامعه دموکراتیک می‌توانیم سخن بگوییم و اگر دین به صورت منبعی برای حقوق یا سیاست عمومی مورد استفاده واقع شود، هر شهروندی حق دارد در مورد دین و قوانین مبتنی بر اصول مذهبی سخن بگوید.»^۹

سرسخت‌ترین مخالف خواهران مسلمان، دولت نیست بلکه جامعه مردسالاری است که قدرت‌گیری زنان را نقض حقوق خود تلقی می‌کند. اما از زمان تصویب قانون خشونت خانگی، بنا به نظر ک. شانمگا، وکیل خواهران مسلمان «دیوان عالی رهیافتی مدرن اتخاذ (کرده) که بر آزادی بنیادی تاکید بیشتری می‌گذارد.»^{۱۰}

پیام و مخاطب

Message and Audience

When Sisters in Islam was created, it sought to send a unique message to the women's rights community of Malaysia: that Islam could help elevate the status of women. In their campaign to promote the passage of the Domestic Violence Act, Sisters in Islam created and distributed two pamphlets entitled "Are Muslim Men Allowed to Beat Their Wives?" and "Are Men and Women Equal Before Allah?" which explored the Koranic teachings of gender relations and justified the equal treatment of men and women under Islamic law.¹¹ These guides, representing the heart of Sisters in Islam's campaign, offered Malaysian women a practical, feminist interpretation of the Koran.

Anwar does not believe that women should have to choose between being a Muslim and being a feminist: "I want to... be both a Muslim and a feminist, and I don't see any contradictions in there. So that's why I made the decision to really read the religious text again in order to find where is this justification for discrimination against women in the text? And that whole process of going back to the text again as a feminist with these questions in mind really opened up a new world and a new understanding, realizing that the Quran talks about justice, compassion, and mercy, about men and women being each other's guardian and... protector."¹² Further publications by Sisters in Islam address these issues in depth, including books on Islam and Family Planning, Islam and Women's Reproductive Rights, Hadith on Women in

خواهران مسلمان پس از شکل‌گیری، به دنبال ارسال پیامی منحصر به فرد به جامعه حقوق زنان در مالزی بود: اینکه اسلام می‌تواند موقعیت زنان را ارتقا بخشد. این گروه در مبارزه خود جهت پیشبرد تصویب قانون خشونت خانگی، دو جزوه با عنوان «آیا مردان مسلمان حق دارند زنان خود را بزنند؟» و «آیا زنان و مردان در برابر الله مساوی هستند؟» تولید و توزیع کرد. این جزوات به جستجو در آموزه‌های قرآن در مورد روابط میان دو جنس پرداخته و برخورد برابر با مردان و زنان تحت حقوق اسلامی را توجیه می‌کرد.^{۱۱} این دو راهنما که معرف قلب مبارزه خواهران مسلمان بود، به زنان مالزی تفسیری عملی و فمینیستی از قرآن ارائه می‌داد.

انور بر این باور نیست که زنان باید میان مسلمان بودن و فمینیست بودن یکی را انتخاب کنند: «من می‌خواهم... هم یک مسلمان و هم یک فمینیست باشم و هیچ تناقضی در اینجا نمی‌بینم. به همین دلیل است که تصمیم گرفتم حقیقتاً متن دینی را بخوانم تا ببینم کجا توجیه تبعیض علیه زنان در متن وجود دارد. کل فرایند بازگشت دوباره به متن به عنوان یک فمینیست با این پرسش‌ها در ذهن، جهانی تازه و درکی تازه را در برابر من گشود و نیز درک مردم را که قرآن در مورد عدالت، هم‌دردی و بخشش سخن می‌گوید، در مورد اینکه زنان و مردان قیم و... محافظ یکدیگر هستند.»^{۱۲} نشریات دیگر گروه خواهران مسلمان به این موضوعات در عمق آنها می‌پردازند، از جمله کتابی در مورد اسلام و برنامه‌ریزی خانواده، اسلام و حقوق بارآوری زنان، حدیث در مورد زنان در ازدواج و اسلام و

Marriage, and Islam and Polygamy.

Additionally, Sisters in Islam have made women aware of their full legal rights under Malaysian law. Murat explains, "Throughout our years of advocating to the government and the media, we found that many women are still not aware of their basic rights. We see the necessity of educating them, to equip them with legal knowledge and assist and support them in their struggle with the religious authorities and the Sharia courts."¹³ In order to assist Malay women in need, Sisters in Islam began offering training sessions, public lectures and study sessions. Anwar also wrote a weekly column called "Legal Literacy" in a Malaysian newspaper for six years, enabling women to submit legal questions and receive advice about marriage, domestic abuse and divorce.

On top of legal advocacy and grassroots activism, Sisters in Islam used the national media to boost their cause in the eyes of the often uninformed Malaysian public. Abused women were willing to come forward to speak about their situations and the difficulties they faced, which were nationally publicized. To supplement the stories of spousal abuse, Anwar and her colleagues also consistently wrote op-eds to major newspapers and letters to the government advocating change.

Sisters in Islam has recently broadened their efforts beyond Malaysian society with the establishment of a new project by Zainah Anwar called "Musawah", which works to ensure that Muslim women are treated equally in the families and

چند همسری.

علاوه بر آن، گروه خواهران مسلمان زنان را از حقوق کامل قانونی، تحت نظام حقوقی مالزی آگاه کرده است. مورات در این مورد می‌گوید: «در طی سال‌های مدافعه در برابر دولت و رسانه‌ها، ما دریافتیم که بسیاری از زنان از حقوق پایه خود آگاهی ندارند. ما ضرورت آموزش آنان و مجهز کردن آنان به دانش حقوقی و کمک و حمایت آنها در نزاع با مقامات مذهبی و دادگاه‌های شریعت را احساس می‌کنیم.»^{۱۳} گروه خواهران مسلمان، به منظور کمک به زنان نیازمند مالزیایی جلسات آموزشی، سخنرانی‌های عمومی و جلسات مطالعه خود را راه‌اندازی کرد. انور همچنین در یکی از روزنامه‌های مالزی به مدت شش سال، ستونی هفتگی داشت تا این امکان را به زنان برای ارائه پرسش‌های حقوقی و دریافت توصیه در امور ازدواج، سوء رفتار خانگی و طلاق فراهم کند.

گروه خواهران مسلمان در مدافعه حقوقی و فعالیت مردمی خود، از رسانه‌های بین‌المللی برای پیشبرد هدف خود در برابر مردم اغلب ناآگاه مالزی بهره گرفت. زنان مورد سوءاستفاده، می‌خواستند در مورد وضعیت خود و مشکلاتشان سخن بگویند. این موضوعات در سطح ملی مطرح می‌شدند. انور و همکاران وی برای تکمیل داستان‌های مرتبط با سوء رفتار با زنان، به طور مداوم یادداشت‌هایی را برای روزنامه‌های پر مخاطب و نامه‌هایی را به حکومت برای دفاع از تغییر می‌نوشتند.

خواهران مسلمان اخیراً تلاش‌های خود را گسترش داده و با راه‌اندازی پروژه تازه‌ای به نام «مساوات»، توسط زینا انور به فراتر از جامعه

communities of Muslim societies. The project was initiated with a global meeting in February 2009 that brought together over 250 Muslim scholars and feminist activists from nearly 50 countries. Musawah arms its global activists with a resource kit that offers arguments and advocacy positions for those fighting to increase women's family rights.¹⁴

Outreach Activities

Sisters in Islam, while a fundamental institution in the advancement of women's rights in Malaysia, is only one group within the Joint Action Group, the broader women's rights advocacy coalition that includes three other women's rights organizations: the Women's Aid Organization, the women's wing of the Malaysian Trade Organization, and the Association of Women Lawyers. While each group offers a distinct approach to the issue of women's rights, it was their coordination which ultimately got the Domestic Violence Act passed in 1994. "An advocacy strategy we use[d] is the writing of joint letters with other women's organizations to demonstrate that the women's movement is speaking with one voice on a particular issue," explained Murat.¹⁵

More recently, during a campaign against moral policing throughout Malaysia, Sisters in Islam produced and distributed a joint statement whose signatories included a diverse group of NGOs and civic organizations outside their typical activist base, such as the Society

مالزی گام برداشته‌اند. این پروژه در پی اطمینان از این مطلب است که با زنان مسلمان به طوری برابر در خانواده‌ها و جوامع مسلمان برخورد شود. این پروژه با یک دیدار جهانی در فوریه ۲۰۰۹، کلید خورد که بیش از ۲۵۰ دانشگاهی و محقق و فعال فمینیست مسلمان را از ۵۰ کشور در کنار هم قرار داد. «مساوات»، فعالان جهانی را با یک مجموعه منابع در مورد استدلال‌ها و مواضع مدافعه‌جویانه برای کسانی که در جهت افزایش حقوق زنان در خانواده مبارزه می‌کنند، مسلح می‌کند.^{۱۴}

فعالیت‌های فراگستر

خواهران مسلمان به عنوان یک موسسه بنیادی در پیشبرد حقوق زنان در مالزی، فقط یک گروه در درون «گروه کنش همراه» است. «گروه کنش همراه» یک ائتلاف گسترده‌تر برای مدافعه از حقوق زنان است که سه سازمان دیگر حقوق زنان را شامل می‌شود: سازمان کمک زنان، بخش زنان سازمان تجارت مالزی و اتحادیه وکلای زن. هر یک از این گروه‌ها رهیافتی متمایز به مسئله حقوق زنان دارد اما همکاری آنها موجب تصویب قانون خشونت خانگی در سال ۱۹۹۴ شد. مورات می‌گوید: «راهبرد مدافعه مورد استفاده ما، نوشتن نامه‌های مشترک با سازمان‌های زنان برای نمایش سخن گفتن جنبش زنان با یک صدای واحد در مسئله‌ای خاص است.»^{۱۵}

خواهران مسلمان اخیراً در یک مبارزه علیه پلیسی کردن اخلاقی در مالزی، بیانیه‌ای مشترک را تولید و توزیع کرده است که امضاکنندگان آن، گروهی متنوع از سازمان‌های غیرانتفاعی و سازمان‌های مدنی بیرون از پایگاه معمول فعالیت

for Christian Reflection, the Malaysian Trade Union Congress and the Malaysian Youth & Student Democratic Movement.¹⁶ According to Anwar, "If you want to bring change you cannot monopolize the issue and say this is my issue and others don't have the right to talk about the issue. The diversity of voices, the diversity of groups and the spread of the groups that support the issue is very important."¹⁷

آنان مثل جامعه تامل مسیحی، کنگره اتحادیه تجارت مالزی و جنبش دموکراتیک جوانان و دانشجویان مالزی بوده‌اند.^{۱۶} بنا به نظر انور «اگر شما بخواهید تغییر ایجاد کنید، نمی‌توانید موضوع را در انحصار خود بگیرید و بگویید که این موضوع من است و دیگران حق ندارند در این مورد سخن بگویند. تنوع صداها، تنوع گروه‌ها و گسترش گروه‌های حامی یک موضوع، بسیار اهمیت دارد.»^{۱۷}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

1. Mutalib, Hussein. *Islam in Malaysia: From Revivalism to Islamic State*. Singapore: Singapore University Press, 1993: 17-41.
2. Ufen, Andreas. "Mobilising Political Islam: Indonesia and Malaysia Compared." *Commonwealth and Comparative Politics* 47, no. 3 (July 2009): 321-322.
3. "Zainah Anwar on Domestic Violence Campaign in Malaysia." YouTube. 8 Dec 2007.
4. Murat, Nora. "Sisters in Islam: Advocacy for Change within the Religious Framework." *Warning Signs of Fundamentalisms: Papers from a Meeting Held by the International Solidarity Network. Women Living Under Muslim Laws (WLUML)*. December, 2004: 142.
5. "Zainah Anwar - To end discrimination against women." YouTube. 13 Jan 2008.
6. Nair, Shelia. "Challenging the Mullahs: Islam, Politics and Women's Activism, Interview with Zainah Anwar." *International Feminist Journal of Politics* 9, no. 2 (June 2007): 240-248.
7. "Zainah Anwar on Domestic Violence Campaign in Malaysia."
8. "Domestic Violence." *Malaysian Women's Aid Organization*.
9. Nair 242.
10. Mageswari, M. "Ban Lifted on Sisters in Islam Book." *The Star Online*. 25 Jan 2009.
11. Mydans, Seth. "Blame Men, Not Allah, Islamic Feminists Say." *New York Times*. October 10, 1996.
12. "Tavaana Exclusive Interview: Zainah Anwar." *Tavaana*. 21 Sept. 2010.
13. Murat 143.
14. "Home page." *Musawah Official Website*. 2008.
15. Murat 142.
16. Anwar, Zainah. "The State Has No Role in Moral Policing." *Sisters in Islam*. 2005.
17. "Zainah Anwar on Domestic Violence Campaign in Malaysia."

Learn More

بیشتر بدانید

News and Analysis

خبرها و مقاله‌ها

Anwar, Zainah. "Malaysia: Advocacy for Women's Rights Within the Islamic Framework." *Women Living Under Muslim Laws*. October 10, 2003.

Sisters in Islam Official Website.

Sisters in Islam. Wikipedia.

Murat, Nora. "Sisters in Islam: Advocacy for Change within the Religious Framework." Warning Signs of Fundamentalisms: Papers from a Meeting Held by the International Solidarity Network. Women Living Under Muslim Laws (WLUML). December, 2004.

Musawah Official Website.

Mydans, Seth. "Blame Men, Not Allah, Islamic Feminists Say." New York Times. October 10, 1996.

Nair, Shelia. "Challenging the Mullahs: Islam, Politics and Women's Activism, Interview with Zainah Anwar." International Feminist Journal of Politics 9, no. 2 (June 2007): 240-248.

Perlez, Jane. "Within Islam's Embrace, a Voice for Malaysia's Women." New York Times. February 19, 2006.

"Sisters in Islam (Malaysia) – Institutional Profile." Association for Women's Rights in Development.

Tavernize, Sabrina. "In Quest for Equal Rights, Muslim Women's Meeting Turns to Islam's Tenets." New York Times. February 15, 2009.

Ufen, Andreas. "Mobilising Political Islam: Indonesia and Malaysia Compared." Commonwealth and Comparative Politics 47, no. 3 (July 2009): 308-333.

Books

کتاب ہا

Anwar, Zainah. Islamic Revivalism in Malaysia: Dakwah Among the Students. Petaling Jaya, Selangor: Pelanduk Publications, 1987.

Anwar, Zainah. "The Struggle for Women's Rights Within the Religious Framework: The Experience of Sisters in Islam." in Modern Malaysia in the Global Economy: political and social change into the 20th Century ed. by Colin Barlow. Northampton, MA: Edgar Elgar Publishing, 2001.

Anwar, Zainah. "What Islam, Whose Islam?: Sisters in Islam and the Struggle for Women's Rights." in The Politics of Multiculturalism: Pluralism and Citizenship in Malaysia, Singapore and Indonesia ed. by Robert W. Hefner. Honolulu, HI: University of Hawaii Press, 2001.

Mutalib, Hussein. Islam in Malaysia: From Revivalism to Islamic State. Singapore: Singapore University Press, 1993.

Videos

ویدئو ہا

Tavaana Exclusive Interview with Zainah Anwar

"Malaysia: Sisters In Islam Upholding Equality." Youtube

"Portraits of Ordinary Muslims: Malaysia's Zainah Anwar and Aida Melly Tan Mutalib." PBS Frontline.

"Zainah Anwar - To end discrimination against women." YouTube. 13 Jan 2008.

"Zainah Anwar on Domestic Violence Campaign in Malaysia." YouTube. 8 Dec 2007.

"Zainah Anwar at Women's Learning Partnership Symposium 'Challenges of Change' Panel 2": Part 1, Part 2. Kenney Auditorium, SAIS, Johns Hopkins University, Washington, DC. 21 Sept. 2010.



جنبش اصلاح مدونه انقلابی مسالمت‌آمیز برای زنان مراکشی

The Moudawana Reform Movement

A Peaceful Revolution for Moroccan Women

Vision and Motivation

Women in Morocco are central to the family structure around which Moroccan society is based. Yet the Moudawana, the family code that governs areas of family law such as marriage, divorce, inheritance, and child custody, gave few rights to women when it was first adopted in 1958, reflecting centuries-old customs. Under the law, men could unilaterally divorce their wives while women's right to divorce was highly restricted; women could not marry without legal approval from a guardian or tutor; married women were obliged by law to obey their husbands; and men

بینش و انگیزه

در مراکش و مناطقی که بر ارزش‌های نظام اجتماعی مراکش استوار است، زنان در مرکز ساختار خانواده هستند. مدونه، مجموعه قوانین خانواده که حاکم بر حوزه حقوق خانواده از جمله ازدواج، طلاق، ارث و حق حضانت کودک است، از زمانی که اولین بار در سال ۱۹۵۸، مورد پذیرش واقع شد، حقوقی را برای زنان قائل شده که انعکاسی از رسوم و سنن قرون گذشته بود. مطابق قانون، هنگامی که حق زنان برای طلاق بسیار محدود بود، مردان می‌توانستند زنان خود را به طور یک‌جانبه طلاق دهند. زنان بدون رضایت قانونی ولی یا قیم، قادر به ازدواج نبودند. زنان

could marry multiple women without their wives' consent.¹

A women's rights group known as the Women's Action Union, the Union de l'Action Feminine in French (UAF), and its allies wanted to reform these unjust laws and secure equal rights for women under the family code, thus catalyzing the Moudawana reform movement.

Goals and Objectives

The group of activists fighting to reform the Moudawana needed to persuade the Moroccan Parliament to change the family code in order to make it more equitable toward women. To accomplish their goal, the UAF needed to garner support from the Moroccan people and prove to the government that reforming the Moudawana was an important issue for the majority of Moroccans.

After a series of demonstrations, educational seminars, government lobbying, and a One Million Signatures petition campaign, King Hassan II was forced to take action.² He ordered that a new code be drafted in consultation with some women's groups, to be submitted to him for approval. The bill, which was passed into law in 1993, contained a few changes beneficial to women. For example, women were now allowed to designate the guardian or tutor who would give approval for their marriage, and fathers were no longer allowed to compel their daughters into marriage.³

Though the UAF and other women's

متأهل طبق قانون، مجبور بودند از شوهران خود اطاعت کنند و مردان می‌توانستند بدون رضایت همسران خود با زنان متعددی ازدواج کنند.^۱ یک گروه مدافع حقوق زنان به نام «اتحادیه حرکت زنان» و هم‌پیمانان آن، خواهان اصلاح این قوانین ناعادلانه و تامین حقوق برابر برای زنان، تحت مجموعه قوانین خانواده شدند و بدین ترتیب جنبش اصلاح مدونه را تسریع کردند.

اهداف و مقاصد

فعالانی که برای اصلاح مدونه مبارزه می‌کردند، باید پارلمان مراکش را ترغیب می‌کردند تا مجموعه قوانین خانواده را در جهت برابری بیشتر میان مردان و زنان تغییر دهند. اتحادیه حرکت زنان، جهت محقق کردن اهداف خود نیاز به جلب پشتیبانی مردم مراکش داشت تا به دولت ثابت کند که اصلاح مدونه برای اکثریت مردم مراکش، مساله مهمی است.

با مد نظر داشتن این مساله، جنبش اصلاحات با استفاده از شیوه‌های مختلف، از جمله تظاهرات، رایزنی رسانه‌ای، برگزاری سمینارهای دانشجویی، لابی کردن در تمام سطوح دولتی و کمپین یک میلیون امضا، کوشید سلطان حسن دوم را نسبت به ضرورت اصلاحات متقاعد کند.^۲ سرانجام سلطان حسن دوم در واکنش به فعالیت‌های اتحادیه حرکت زنان، اصلاحات را پذیرفت. او دستور داد مجموعه قوانین جدیدی با مشاوره با برخی گروه‌ها و تشکل‌های زنان، تدوین و جهت تصویب به وی ارائه شود. لایحه‌ای که در سال ۱۹۹۳، به عنوان قانون به تصویب رسید، شامل اندک تغییرات سودمند و مفیدی برای زنان بود. به عنوان مثال، زنان می‌توانستند ولی و قیمی که ازدواج آنان را تایید می‌کرد، خود تعیین کنند و

groups were disappointed by the limited nature of the reforms, they still saw the new bill as a victory. According to Fatima Outaleb, a member of the UAF, "The UAF was not dissatisfied with those reforms. We thought that we have succeeded in breaking the taboo and the sacredness of the Moudawana."⁴

Using the momentum generated by the One Million Signatures campaign and the 1993 Moudawana reforms, the UAF and other women's groups continued to lobby the government by raising awareness of other issues affecting women such as rape and domestic violence.⁵ King Hassan II's death in 1999 led many activists to believe that a new age in Moroccan politics was dawning; King Mohammed VI was rumored to be much more open to change than his father had been.⁶

In 2004, a new Moudawana was enacted that advanced women's rights and overturned many discriminatory provisions. The minimum age for women to marry was raised from 15 to 18, the same as the men's minimum age; women no longer needed to obtain approval from a guardian before marrying; men were forbidden from unilaterally divorcing their wives; women were given the right to divorce their husbands; and while it was still permitted for men to have multiple wives, restrictions were imposed to make polygamous marriages harder to obtain and only with the permission of a judge.⁷

The movement did not stop once they

پدران، دیگر نمی‌توانستند دختران خود را مجبور به ازدواج کنند.^۳

با این که اتحادیه حرکت زنان و سایر تشکل‌های زنان از محدود بودن دامنه اصلاحات سرخورده شدند، ولی کماکان تصویب لایحه جدید را یک پیروزی می‌دانستند. طبق اظهارات فاطمه او طالب - یکی از اعضای اتحادیه حرکت زنان - این تشکل یعنی اتحادیه حرکت زنان، از اصلاحات ناراضی بود اما احساس می‌کرد «در شکستن تابو و تقدس مدونه موفق بوده است».^۴

اتحادیه حرکت زنان و سایر تشکل‌های زنان، با استفاده از نیروی محرکه‌ای که کمپین یک میلیون امضاء و اصلاح مدونه ایجاد کرده بود، به رایزنی خود با دولت جهت بالابردن سطح آگاهی در سایر موضوعاتی که مسایل زنان را تحت تاثیر قرار می‌داد، از قبیل تجاوز به عنف، هتک حرمت و خشونت خانوادگی، ادامه دادند.^۵ مرگ سلطان حسن دوم در سال ۱۹۹۹، موجب شد بسیاری از فعالان به این باور برسند که عصر جدیدی در سیاست مراکش آغاز شده است. شایع بود که سلطان محمد ششم، بسیار بیش از پدر خویش آماده پذیرش تغییر است.^۶ در سال ۲۰۰۴، یک مدونه جدید به تصویب رسید که حقوق زنان را ارتقا داد و بسیاری از قوانین تبعیض‌آمیز را لغو کرد. حداقل سن ازدواج برای زنان از ۱۵ سال به ۱۸ سال افزایش یافت، مشابه حداقل سن برای مردان. زنان برای ازدواج دیگر احتیاج به تأیید ولی یا قیم نداشتند. مردان از طلاق یک‌جانبه زنان خود منع شدند. به زنان حق طلاق از شوهران خود اعطا شد و با اینکه تعدد زوجات برای مردان مجاز بود، محدودیت‌هایی اعمال شد تا ازدواج‌های متعدد و چند همسری مشکل‌تر شود و تنها با اجازه قاضی صورت پذیرد.^۷

had achieved their original goals. Since the passage of these reforms, women's groups in Morocco have been lobbying to change some discriminatory laws that survived the reforms. They have also been conducting demonstrations and providing education to the public, aiming to ensure that the reforms are understood and are incorporated into daily life.

"My goal now is to spread the word to some of the most remote areas of Morocco – to illiterate men and women who have little access to objective information about the Moudawana reforms, and little ability to obtain legal assistance," says UAF founder Latifa Jbabdi. "I want the people of Morocco to know that our new law is not only a victory for women, but also for the family, society, and generations to come."⁸

Leadership

Latifa Jbabdi's long history of activism before becoming involved with the UAF shows her commitment to feminism and reform. When she was 14, she became involved in a student movement campaigning for democratic reforms in Morocco.⁹ For her membership in an illegal Marxist group known as "March 23", Jbabdi was imprisoned from 1977 until her trial and release in 1980.¹⁰ Upon her release, Jbabdi founded and served as editor for 8 Mars (named for the date on which International Women's Day is recognized each year), a newspaper written by and for Moroccan women interested in

جنبش، هنگامی که به اهداف اولیه خود نایل گشت از حرکت نایستاد. از زمان تصویب این اصلاحات، گروه‌ها و تشکلهای زنان در مراکش در حال رایزنی و لابی برای تغییر قوانین تبعیض آمیزی بودند که اصلاح نشده بود. همچنین آنان به فعالیت برای برگزاری تظاهرات و آموزش عامه مردم ادامه می‌دادند تا اطمینان حاصل کنند که اصلاحات درک شده و با زندگی روزمره مردم عجین شده است. لطیفه جبادی، بنیانگذار اتحادیه حرکت زنان می‌گوید: «هم‌اکنون هدف من این است که این پیام را به دورافتاده‌ترین مناطق مراکش، به مردان و زنان عامی و بیسوادی که دسترسی کمتری به اطلاعات عینی و دقیق درباره اصلاحات مدونه دارند و از توان کافی برای احراز مساعدت‌ها و کمک‌های قانونی محرومند، برسانم.» او می‌گوید: «من می‌خواهم که مردم مراکش بدانند که قانون جدید ما تنها پیروزی برای زنان نیست، بلکه برای خانواده، جامعه و نسل‌های آینده است.»^۸

رهبری

سابقه طولانی فعالیت لطیفه جبادی، پیش از پایه‌گذاری اتحادیه حرکت زنان، بیانگر التزام و تعهد وی به فمینیسم و اصلاحات است. وقتی ۱۴ ساله بود وارد کمپین و مبارزات جنبش دانشجویی برای اصلاحات دولتی در مراکش شد، جنبشی که در سایه جنبش مارکسیستی مراکش فعالیت می‌کرد.^۹ به جهت عضویت در گروه مارکسیستی غیرقانونی معروف به «۲۳ مارس»، جبادی از سال ۱۹۷۷ تا زمان دادگاه و آزادی وی در سال ۱۹۸۰، در زندان بود.^{۱۰} پس از آزادی، جبادی روزنامه «۸ مارس» (روز جهانی زن) را بنیان نهاد و به عنوان سردبیر مشغول به کار شد، روزنامه‌ای که توسط

feminist issues.¹¹

Utilizing much of the leadership infrastructure and resources from 8 Mars, Jbabdi went on to found the UAF in 1987.¹² Though the Moudawana had inspired protest and calls for reform since its adoption in 1958, it was not until the UAF's One Million Signatures campaign, spearheaded by Jbabdi, that the Moudawana became a major national issue.¹³

As the reform campaign garnered attention and supporters, it also gained some enemies in its fight for women's



equality. The UAF was opposed by the ulama, Islamic scholars and arbiters of religious law, as well as other religious groups that supported the existing Moudawana as a religious text. Many against the Moudawana reformation believed the UAF's campaign to be against the Islamic values traditionally held in Morocco.¹⁴ The opposition took many steps to curb the power of the UAF; the Ministry of Religious Endowments and Islamic Affairs encouraged imams to preach against the reforms.¹⁵

زنان نوشته می‌شد و برای زنان مراکشی علاقمند به مسایل فمینیستی بود.^{۱۱}

در سال ۱۹۸۷، جبادی با استفاده از زیربنای رهبری و حداکثر منابع «۸ مارس» اقدام به تأسیس اتحادیه حرکت زنان کرد.^{۱۲} اگرچه مدونه از هنگام پذیرش آن در سال ۱۹۵۸، الهام‌بخش اعتراضات و فراخوان برای تغییر و اصلاح بود، اما تنها زمانی که کمپین یک میلیون امضای اتحادیه حرکت زنان به ابتکار جبادی شتاب گرفت، مدونه به یک موضوع اساسی و ملی تبدیل شد.^{۱۳}

اتحادیه حرکت زنان در مبارزه‌اش برای برابری زنان، علاوه بر جلب شمار قابل توجهی از حامیان جدید، دشمنان جدیدی هم پیدا کرد. علما، طلاب و حاکمان شرع و نیز دیگر گروه‌های مذهبی که از مدونه یا مجموعه قوانین موجود مربوط به خانواده به عنوان یک قانون مذهبی حمایت می‌کردند، به مخالفت با اتحادیه حرکت زنان پرداختند. بسیاری از کسانی که با اصلاح مدونه مخالف بودند، اعتقاد داشتند که مبارزه اتحادیه حرکت زنان، علیه ارزش‌های اسلامی و سنتی حاکم بر مراکش است.^{۱۴} مخالفان برای کنترل قدرت این سازمان، اقدامات متعددی انجام دادند. وزارت امور مذهبی و اسلامی، پیش‌نمازها و وعاظ را تشویق می‌کرد علیه اصلاحات موعظه کنند.^{۱۵} کمپین یک میلیون امضا و واکنش‌های منفی نسبت به آن تبدیل به یک مسأله عمومی شده بود که نادیده گرفتن آن، دیگر امکان نداشت.

با اینکه جبادی شخصا معتقد به سکولاریسم بود، با درک این مسأله که بیشتر مراکشی‌ها نسبت به یک برخورد کاملا سکولار با قانون اکراه داشتند، برای توجیه مذهبی پیام خود به مطالعه قرآن و حدیث پرداخت.^{۱۶} با داشتن سلاح قوانین اسلامی، جبادی می‌توانست با کسانی که

Jbabdi worked to engage her opponents in debate by incorporating a religious foundation to her arguments. Though personally committed to secularism, Jbabdi studied the Koran and the Hadith in order to incorporate religious justifications into her message, realizing that most Moroccans were reluctant to take a completely secular approach to the law.¹⁶ Armed with the canons of Islam, Jbabdi could engage with opponents who said that the reforms contradicted Islam, successfully arguing that some interpretations of the religious texts supported equality for women.¹⁷ While retaining presidency of the UAF, Jbabdi was elected to the Moroccan Parliament in 2007.¹⁸

Civic Environment

The Moroccan regime has always been repressive, intimidating and disempowering political opposition members since gaining independence in 1956. King Hassan II, who ruled from 1961 until his death in 1999, arrested, kidnapped, and tortured thousands of political opponents, especially during the failed coup attempts of 1971 and 1972.

However, King Mohamed VI, who took the throne in 1999 and continues to rule the country today, has showed hints of being less repressive than his father. While King Mohamed VI has taken steps to expand Moroccans' political freedoms, like reforming the Moudawana and establishing the Equity and Reconciliation Commission in 2004 to address past government abuses, Morocco's political

اصلاحات را مغایر اسلام می‌دانستند بحث کند و با موفقیت استدلال کند که تفسیر متون مذهبی از برابری زنان حمایت می‌کند.^{۱۷} در سال ۲۰۰۷، زمانی که جبادی همچنان ریاست اتحادیه حرکت زنان را بر عهده داشت، به نمایندگی پارلمان مراکش انتخاب شد.^{۱۸}

فضای مدنی

رژیم مراکش همیشه سرکوبگر بوده و از زمان استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶، سیاست مرعوب‌سازی و خلع قدرت سیاسی را در پیش گرفته است. سلطان حسن دوم، کسی که از سال ۱۹۶۱ تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۹، بر اریکه قدرت تکیه داشت، هزاران ناراضی سیاسی را دستگیر کرد، ربود و مورد شکنجه قرار داد. این شیوه سرکوب در دوره کودتاهای ناموفق سال‌های ۱۹۷۲ - ۱۹۷۱ به اوج خود رسید.

اما سلطان محمد ششم، که در سال ۱۹۹۹، وارث پادشاهی شد، نشان داد که کمتر از پدرش سرکوبگر است. سلطان محمد ششم برای افزایش آزادی‌های سیاسی مردم مراکش گام‌هایی برداشت، از جمله ایجاد کمیسیون برابری حقوقی و آشتی ملی در سال ۲۰۰۴، که پرده از سوءاستفاده دولت‌های گذشته برداشت و نیز اصلاح مدونه. اما با وجود این اصلاحات، فساد در نظام سیاسی مراکش همچنان باقی ماند.^{۱۹}

با وجود برگزاری انتخابات شفاف در سال ۲۰۰۲، که بیش از ۱۲ حزب سیاسی در آن مشارکت داشتند، مراکش را نمی‌توان در زمره دموکراسی‌های انتخاباتی قرار داد. قدرت سیاسی هنوز عمدتاً در دست پادشاه است که به امیر مومنان ملقب است. انحلال پارلمان، صدور حکم حکومتی، انفصال و خلع اعضای کابینه، فرماندهی

system remains generally corrupt.¹⁹

Despite having open parliamentary elections in 2002 in which more than 12 political parties participated, Morocco cannot be considered an electoral democracy. The King still holds the majority of political power; with the title of "Commander of the Faithful," he also has the ability to dissolve Parliament, rule by decree, dismiss cabinet members, command the armed forces, exercise religious authority, and preside over the judicial system.

Opposition parties rarely have the opportunity to assert themselves; any groups who criticize the monarchical system are harassed by government officials. Furthermore, journalists who report on government issues also face heavy restrictions; the government has enacted restrictive press laws and employs an array of economic mechanisms to punish independent and opposition journalists.²⁰

Message and Audience

Over the course of the reform movement, the UAF had to modify their message and activity to respond to Morocco's changing political climate. Initially, the UAF and its reformist allies adopted a strictly secular agenda. They argued that the Moudawana was a political document, not a religious one, and that it should therefore be handled by the Parliament, a secular institution, rather than the King, who was both a secular political leader and

کل نیروهای مسلح، مرجعیت مذهبی و ریاست نظام قضایی نیز از دیگر اختیارات پادشاه است.

احزاب مخالف به ندرت فرصت ابراز وجود دارند. هر گروهی که به انتقاد از نظام حکومت سلطنتی بپردازد، توسط مقامات رسمی مورد آزار و اذیت واقع می‌شود. گذشته از این، روزنامه‌نگارانی که درباره مسایل دولت گزارش تهیه می‌کنند نیز با محدودیت‌های شدیدی روبرو می‌شوند. دولت قوانین مطبوعاتی محدودکننده‌ای را تصویب کرده است و با توسل به یک رشته مکانیزم‌های اقتصادی، روزنامه‌نگاران مستقل و مخالف را زیر فشار می‌گذارد.^{۲۰}

با وجود تظاهرات اصلاح‌طلبانه در رابطه با «بهار عربی» و تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۱۱، وضعیت سیاسی و اجتماعی مراکش کم و بیش ثابت مانده است و بیشتر قدرت سیاسی تحت کنترل سلطان محمد ششم قرار دارد. نخست‌وزیر مراکش که در طی جنبش مخالفین «۲۰ فوریه» از حزب اپوزیسیون «عدالت و تنمیه» انتخاب گردید، پس از دو سال که از شروع تظاهرات گذشته، هنوز نظارت کامل بر نهادهای دولتی نداشته و حتی در جریان تصمیمات دولت و امور خارجی آن به طور کامل قرار نمی‌گیرد. در عین حال، نیروهای انتظامی به طور مداوم مشغول بازداشت و شکنجه مخالفین و منتقدان دولت هستند.

پیام و مخاطب

در جریان جنبش اصلاحات، اتحادیه حرکت زنان می‌بایست پیام و فعالیت خود را به فراخور فضای سیاسی مراکش، تعدیل می‌کرد. در ابتدا اتحادیه حرکت زنان و هم‌پیمانان اصلاح‌طلب آن، یک دستور کار کاملاً سکولار را پذیرفت. آنان استدلال می‌کردند که مدونه یک سند

the "Commander of the Faithful." This was partly due to the reformists' beliefs and ideals, and partly due to the political reality at the time; King Hassan II was not sympathetic to the reforms, and so the UAF addressed their petition to the Prime Minister.²¹

The UAF was able to organize high-profile demonstrations to prove to the government that a large number of Moroccans supported the reforms. In 1992, they launched the One Million Signatures campaign, which aimed to gather a million signatures on a petition to reform the Moudawana.²² The campaign was highly successful and the UAF exceeded their target by collecting more than a million signatures, a considerable achievement given Morocco's total population of only 25 million.²³

After the watered-down reforms passed by King Hassan II in 1993, it became clear that the reformists would need to adopt a different approach if they were to succeed. One of the clearest indications came on March 12, 2000, when the reformists organized a march to take place in Rabat in recognition of International Women's Day.²⁴ The march was intended to raise awareness of a range of issues relating to women's rights. However, on the same day, an alliance of opponents to the movement organized a march in Casablanca, where the women, all veiled, marched in separate lines from the men. The alliance was organized by Islamists, including the Islamist parliamentary party Parti de la Justice et du Développement

سیاسی است نه مذهبی و بنابراین تعیین تکلیف آن می‌بایست بر عهده پارلمان باشد که یک نهاد سکولار است و نه توسط پادشاه که هم یک رهبر سیاسی است و هم «امیر مومنان». این نگرش تا حدی نتیجه اعتقادات و آرمان‌های اصلاح‌طلبان بود و تا حدی هم نتیجه واقعیت‌های سیاسی وقت. سلطان حسن دوم با اصلاحات همدلی نداشت، از این رو اتحادیه حرکت زنان درخواست خود را به نخست‌وزیر ارائه کرد.^{۲۱}

اتحادیه حرکت زنان توانست تظاهرات بزرگی را برگزار کند و به دولت نشان دهد که گروه عظیمی از مردم از اصلاحات پشتیبانی می‌کنند. در سال ۱۹۹۲، این دسته از فعالان، کمپین یک میلیون امضا را به راه انداختند که هدف آن جمع‌آوری یک میلیون امضا برای اصلاح مدونه بود.^{۲۲} کمپین، بسیار موفق بود و اتحادیه توانست حتی بیش از یک میلیون امضا جمع کند که با توجه به جمعیت ۲۵ میلیونی مراکش، دستاورد بزرگی بود.^{۲۳}

پس از اصلاحات نیم‌بند سلطان حسن دوم در سال ۱۹۹۳، آشکار شد که اصلاح‌طلبان باید برای موفق شدن، راهکار دیگری را انتخاب کنند. یکی از بارزترین نشانه‌های این ضرورت تغییر رویکرد در ۱۲ مارس سال ۲۰۰۰ بروز کرد، زمانی که اصلاح‌طلبان به مناسبت روز جهانی زن، برگزاری یک راهپیمایی در رباط را برنامه‌ریزی کرده بودند.^{۲۴} قرار بود راهپیمایی، آگاهی عمومی نسبت به یک رشته مسائل مربوط به حقوق زنان را افزایش دهد. اما در همان روز ائتلافی از مخالفان جنبش، یک راهپیمایی در کازابلانکا برگزار کرد که زنان محجبه در صفوف جدا از مردان در آن شرکت کردند. این ائتلاف با سازماندهی اسلام‌گرایان، از جمله حزب عدالت و توسعه

(PJD), who rejected the UAF's secular approach because they believed it to be contrary to Islamic family values.²⁵ The Rabat march was quite successful, but it was eclipsed by the Casablanca march, which attracted a greater number of activists.

While this incident served as a major roadblock for the UAF, King Mohammed VI's arrival onto the political scene was a blessing in disguise. King Mohammed VI, whose reign began in 1999 after the death of his father, was much more sympathetic to their cause than King Hassan II had been; in fact, when he ascended the throne, King Mohammad VI promised in a nationally televised speech that he would work to improve Morocco's human rights record. In response, the reformists called on him to change the Moudawana.²⁶ The King responded with a series of actions that would ease the path to reform, including a royal decree that the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women be given legal force. Additionally, the King created a Ministry in Charge of the Condition of Women, Protection of the Family, Childhood and the Disabled to advance gender equality, he consulted with women's rights activists, and he appointed a commission to revise the Moudawana.²⁷

The public mood also shifted in the reformists' direction after the terrorist attacks by Salafia Jihadia suicide bombers in Casablanca in 2003.²⁸ The bombings shocked the Moroccan people, making religious fundamentalism unpopular and

شکل گرفته بود. حزب عدالت و توسعه که در پارلمان نیز حضور داشت، با نگرش سکولار اتحادیه حرکت زنان مخالف بود زیرا چنین نگرشی را مغایر ارزش‌های اسلامی خانواده می‌دانست.^{۲۵} راهپیمایی رباط علی‌رغم موفقیت، تحت‌الشعاع راهپیمایی کازابلانکا قرار گرفت که تعداد بیشتری در آن شرکت کرده بودند.

با اینکه این رویداد یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش روی اتحادیه حرکت زنان را آشکار کرد، ورود سلطان محمد ششم به عرصه سیاسی در سال ۱۹۹۹، یک موهبت بود. سلطان محمد ششم که پس از فوت پدرش در سال ۱۹۹۹ به سلطنت رسید، بیش از پدر با خواست‌های جنبش اصلاحات همدلی داشت. در حقیقت هنگامی که سلطان محمد ششم به پادشاهی رسید، در سخنرانی تلویزیونی خود قول داد برای بهبود پرونده حقوق بشری مراکش تلاش کند. در پاسخ، اصلاح‌طلبان از وی خواستند مجموعه قوانین مدونه را اصلاح کند.^{۲۶} سلطان با یک رشته اقداماتی که می‌توانست راه را برای اصلاحات هموار کند آغاز کرد، از جمله اینکه با صدور یک حکم شاهانه به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، جنبه قانونی بخشید. به علاوه سلطان، وزارتخانه‌ای را با مسئولیت پیگیری وضعیت زنان، حمایت از کانون خانواده، کودکان و معلولان جهت ارتقاء برابری بنیان نهاد. وی همچنین با فعالان حقوق زنان مشورت کرد و کمیسویی جهت تجدید نظر و اصلاح مدونه تشکیل داد.^{۲۷}

افکار عمومی نیز پس از حمله تروریستی توسط بمب‌گذاران انتحاری گروه جهادی سلفیه در سال ۲۰۰۳، در کازابلانکا به اصلاح‌طلبان متمایل شد.^{۲۸} بمب‌گذاری مردم مراکش را سخت تکان داد، بنیادگرایان اسلامی را در نظر مردم

enabling reformists to take advantage of this change in Morocco's political climate to spread their message.²⁹ A few months later in October 2003, King Mohammed announced his decision to reform the Moudawana. The new code was submitted for approval and passed into law by the Parliament in 2004, drastically changing the landscape of family law in Morocco and beyond.³⁰

Outreach Activities

The UAF reached out to and worked with many other organizations and groups of people to achieve the reforms; alliances with other women's rights NGOs, political parties, independent politicians, social workers, and academics enabled the UAF to succeed in its mission. To gain support from the NGO community, the UAF organized media seminars and conferences for a variety of national and international women's and human rights organizations.³¹ After the group decided in 1990 that their primary aim should be to reform the Moudawana, it took almost two years to gain the support of other women's rights organizations, who feared that the Moudawana could interfere with other women's rights issues being pursued. However, the UAF held debates with these organizations to convince them that the Moudawana reforms were worth fighting for.³²

To raise support from the general public, the movement organized educational seminars and established women's shelters.³³ An important medium

منفور ساخت و به اصلاح طلبان امکان داد تا از این تغییر فضای سیاسی مراکش استفاده کنند و پیام خود را پخش کنند.^{۲۹} چند ماه بعد، در اکتبر ۲۰۰۳، سلطان محمد تصمیم خود را جهت تغییر و اصلاح مدونه اعلام کرد. قوانین جدید در سال ۲۰۰۴، جهت تصویب به پارلمان تقدیم و به مصوبه قانونی تبدیل شد و چشم‌انداز قوانین خانواده در مراکش و دیگر کشورهای اسلامی را تغییر داد.^{۳۰}

فعالیت‌های فراگستر

اتحادیه حرکت زنان جهت نیل به اصلاحات، با بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های مردمی همکاری می‌کرد. هم‌پیمانی با سایر سازمان‌های غیردولتی زنان، احزاب سیاسی، افراد و گروه‌های سیاسی مستقل، فعالان اجتماعی و دانشگاهیان، اتحادیه حرکت زنان را قادر ساخت در رسالت خود به موفقیت دست یابد. جهت به دست آوردن حمایت سایر نهادهای غیردولتی، اتحادیه حرکت زنان سمینارهای رسانه‌ای و کنفرانس‌هایی را برای سازمان‌های زنان و حقوق بشری ملی و بین‌المللی تدارک دید.^{۳۱} از سال ۱۹۹۰، که این گروه تصمیم گرفت هدف اصلی خود را اصلاح مجموعه قوانین مدونه قرار دهد، تقریباً دو سال طول کشید تا بتواند پشتیبانی سایر سازمان‌ها و نهادهای حقوق زنان را جلب کند چرا که بسیاری از این سازمان‌ها بیم آن داشتند که مدونه مانع پیگیری سایر موضوعات مرتبط با حقوق زنان شود. اما اتحادیه حرکت زنان مناظره‌هایی را با این سازمان‌ها برگزار نمود تا آنان را متقاعد سازد که اصلاح مدونه بخش جدایی‌ناپذیری از مبارزه آنهاست.^{۳۲}

جهت جلب حمایت عموم مردم، جنبش به سازماندهی سمینارهای آموزشی پرداخت و سرپناه‌هایی برای زنان ایجاد کرد.^{۳۳} نشریات زنان

for disseminating their message was the 'women's press,' consisting of newspapers such as 8 Mars and Kalima, which discussed taboo topics like domestic violence, single motherhood, and homosexuality.³⁴ However, since more than half of the female population was illiterate at the time when these newspapers developed, there was a need for other forms of outreach, ones with a more widespread impact for building support across the country.³⁵ To this end, the UAF held seminars for women in rural areas to raise awareness that the Moudawana was the source of "widespread poverty, illiteracy, and even domestic violence."³⁶ Through its outreach efforts, the UAF broadened their base of supporters.

The Moroccan Moudawana is a pioneering law in the Arab world, and has set an example in the region. Jordan, Egypt and Tunisia have started discussions on modifying their family laws in similar directions. In the words of Latifa Jbaldi, the reform achieved "a peaceful revolution for women."³⁷

ابزاری مهم برای اشاعه پیامشان بود، از جمله نشریات «۸ مارس» و «کلمه»، که موضوع‌های ممنوعه‌ای چون خشونت خانوادگی، مادران مجرد و همجنس‌گرایان را به بحث و گفتگو می‌گذاشت.^{۳۴} اما از آنجا که بیش از نیمی از جمعیت زنان در این دوره زمانی که عصر شکوفایی روزنامه‌ها بود بی‌سواد بودند، احساس می‌شد برای انتقال اطلاعات و پیام‌ها، تاثیرگذاری بیشتر و جلب حمایت گسترده در سراسر کشور به ابزارها و شیوه‌های دیگری نیاز است.^{۳۵} برای رسیدن به این هدف، اتحادیه حرکت زنان سمینارهایی را برای زنان در مناطق روستایی جهت آموزش آنان و آگاهی از اینکه مدونه منبع «فقر گسترده، بی‌سوادی و حتی خشونت خانوادگی است»، ترتیب داد.^{۳۶}

اتحادیه حرکت زنان از فراگیری فعالیت‌های خود بهره برد و توانست شالوده جنبش را گسترش داده و تقویت کند.

مجموعه قوانین مدونه مراکش، یک قانون پیشگام در جهان عرب و الگویی برای دیگر کشورهای منطقه است. به قول لطیفه جبادی: جنبش اصلاحات به «یک انقلاب مسالمت‌آمیز برای زنان» منجر شد.^{۳۷}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

1. Touimi-Benjelloun, Zineb. "A New Family Law in Morocco." United Nations Development Fund for Women. 19 Dec. 2003.; Abiad, Nisrine. Sharia, Muslim States, and International Human Rights Treaty Obligations. London: British Institute of International and Comparative Law, 2008.
2. Zvan, Katja. "The Politics of the Reform of the New Family Law (the Moudawana)." Faculty of Oriental Studies: University of Oxford. May 2007. PDF.
3. Ibid.
4. Ibid.
5. Ibid.
6. Ibid.
7. Malchiodi, Beth. "Assessing the Impact of the 2004 Moudawana on Women's Rights in Morocco." Fulbright-Hays Summer Seminars Abroad. 2008. PDF.

8. Robinson, Helah. "H E Latifa Jbabdi." Vital Voices.
9. Slymovics, Susan. "This Time I Choose When to Leave: An Interview with Fatna El-Bouih." Morocco in Transition, Middle East Report 218 (Spring 2001).
10. Ibid.
11. Ibid.
12. Ghazalla, Iman. "Sculpting the Rock of Women's Rights: The Role of Women's Organizations in Promoting the National Plan of Action to Integrate Women in Development in Morocco." Humphrey Institute of Public Affairs. 2001. PDF.
13. Ibid.
14. Ibid.
15. Ibid.
16. Levinson, Charles. "Progressive or Conservative, Women Influence Islam." Women's eNews. 9 Oct. 2005.
17. Ibid.
18. Slymovics.
19. "Country Report: Morocco." Freedom House. 2009.
20. Ibid.
21. Levinson; Zvan.
22. Abiad.
23. Zvan.
24. Ibid.
25. Ibid.
26. Ibid.
27. Ibid.
28. Ibid.
29. Ibid.
30. Ibid.
31. Ghazalla.
32. Ibid.
33. Ibid.
34. Sater, James. Civil Society and Political Change in Morocco. Abingdon: Routledge, 2007.
35. Ghazalla.
36. Robinson.
37. Ibid.

Learn More

News and Analysis

"Country Report: Morocco." Freedom House. 2009.

Ghazalla, Iman. "Sculpting the Rock of Women's Rights: The Role of Women's Organizations in Promoting the National Plan of Action to Integrate Women in Development in Morocco." Humphrey

بیشتر بدانید

خبرها و مقاله‌ها

Institute of Public Affairs. 2001. PDF.

Levinson, Charles. "Progressive or Conservative, Women Influence Islam." Women's eNews. 9 Oct. 2005.

Malchiodi, Beth. "Assessing the Impact of the 2004 Moudawana on Women's Rights in Morocco." Fulbright-Hays Summer Seminars Abroad. 2008. PDF.

"Morocco: A Look At Women's Rights 5 Years After Reforms." Huffington Post. 9 June 2009.

"Morocco/Western Sahara." World Report 2010. Human Rights Watch. 20 Jan. 2010.

"Moudawana." Wikipedia. 26 Dec. 2009.

Robinson, Helah. "H E Latifa Jbaldi." Vital Voices.

Slymovic, Susan. "This Time I Choose When to Leave: An Interview with Fatna El-Bouih." Morocco in Transition, Middle East Report 218 (Spring 2001).

"The Moroccan Family Code (Moudawana) of February 5, 2004." Human Rights Education Associates. 8 Oct. 2005.

Touahri, Sarah. "More Marriage, Less Divorce Attributed to New Moroccan Family Code." Magharebia. 15 Feb. 2008.

Touimi-Benjelloun, Zineb. "A New Family Law in Morocco." United Nations Development Fund for Women. 19 Dec. 2003.

"Morocco Country Report." Women's Rights in the Middle East and North Africa, Freedom House. 2009.

Zvan, Katja. "The Politics of the Reform of the New Family Law (the Moudawana)." Faculty of Oriental Studies: University of Oxford. May 2007. PDF.

Books

کتاب‌ها

Abiad, Nisrine. Sharia, Muslim States, and International Human Rights Treaty Obligations. London: British Institute of International and Comparative Law, 2008.

Bran, Laurie A. Women, the State, and Political Liberalization: Middle Eastern and North African Experiences. New York: Columbia University Press, 1998.

Charrad, Mounira M. States and Women's Rights: The Making of Postcolonial Tunisia, Algeria, and Morocco. Berkeley: University of California Press, 2001.

Sater, James. Civil Society and Political Change in Morocco. Abingdon: Routledge, 2007.

Videos

ویدئوها

"Morocco/Women's Rights." CNN. 30 June 2009.



جنبش فمینیستی آمریکا

دهه‌های ۶۰ و ۷۰
و رفع موانع برای زنان

The American Feminist Movement

Breaking Down Barriers
for Women in the 1960s-70s

Vision and Motivation

In 1960, the world of American women was limited in almost every respect, from family life to the workplace. A woman was expected to follow one path: to marry in her early 20s, start a family quickly, and devote her life to homemaking. As one woman at the time put it, "The female doesn't really expect a lot from life. She's here as someone's keeper - her husband's or her children's."¹ As such, wives bore the full load of housekeeping and child care, spending an average of 55 hours a week on domestic chores.² They were legally subject to their husbands via "head and master laws," and they had no legal right to any of their husbands' earnings or property, aside from a limited right to "proper support"; husbands, however, would control their wives' property and earnings.³ If the marriage deteriorated, divorce was difficult to obtain, as "no-fault" divorce was not an option, forcing

بینش و انگیزه

در سال ۱۹۶۰، زنان آمریکا در زمینه‌های مختلف، از زندگی خانوادگی گرفته تا محیط کار با محدودیت‌های بسیاری مواجه بودند. همه زنان می‌بایست از یک الگو پیروی می‌کردند: ازدواج در سن ۲۰ سالگی و تشکیل خانواده. بر اساس گفته یکی از زنان آن روز «یک زن چیز زیادی از زندگی خود نمی‌خواست. او می‌بایست از زندگی فرد دیگری، خواه شوهر، خواه فرزندان، نگهداری می‌کرد».^۱ بنابراین، زنان بار اصلی خانه‌داری را بر دوش داشتند و به طور متوسط ۵۵ ساعت در هفته صرف امور خانه می‌کردند.^۲ زنان طبق قانون، به طور کامل وابسته به شوهرشان بودند و جز در مورد بسیار محدودی که می‌بایست از حمایت مناسب بهره‌مند می‌شدند، حقی نسبت به درآمد یا اموال شوهر نداشتند و این در حالی بود که شوهر اختیار اداره امور مالی زن را داشت.^۳ زنان در زمینه طلاق نیز با محدودیت‌های زیادی روبرو بودند، به طوری که حتماً می‌بایست ثابت می‌کردند که شوهر مرتکب عمل خطایی شده تا

women to prove wrongdoing on the part of their husbands in order to get divorced.⁴

The 38 percent of American women who worked in 1960 were largely limited to jobs as teacher, nurse, or secretary.⁵ Women were generally unwelcome in professional programs; as one medical school dean declared, "Hell yes, we have a quota... We do keep women out, when we can. We don't want them here — and they don't want them elsewhere, either, whether or not they'll admit it."⁶ As a result, in 1960, women accounted for six percent of American doctors, three percent of lawyers, and less than one percent of engineers.⁷ Working women were routinely paid lower salaries than men and denied opportunities to advance, as employers assumed they would soon become pregnant and quit their jobs, and that, unlike men, they did not have families to support.

In 1962, Betty Friedan's book *The Feminine Mystique* captured the frustration and even the despair of a generation of college-educated housewives who felt trapped and unfulfilled. As one said, "I'm desperate. I begin to feel I have no personality. I'm a server of food and a putter-on of pants and a bedmaker, somebody who can be called on when you want something. But who am I?"⁸ Friedan stunned the nation by contradicting the accepted wisdom that housewives were content to serve their families and by calling on women to seek fulfillment in work outside the home. While Friedan's writing largely spoke to

بتوانند طلاق بگیرند.^۴

در سال ۱۹۶۰، ۳۸ درصد از زنان آمریکا در محیط‌های بیرون از خانه مشغول به کار بودند که البته با محدودیت‌های شغلی بسیاری روبرو می‌شدند.^۵ از جمله آنکه زنان تنها می‌توانستند در مشاغلی چون معلمی، پرستاری و یا منشی‌گری فعالیت کنند. زنان راهی به محیط‌های آکادمیک و حرفه‌ای نداشتند؛ این اظهارات رئیس یکی از دانشکده‌های پزشکی در این‌باره است: «بله، ما سهمیه‌بندی داریم ... هرزمان که بتوانیم، زنان را بیرون می‌کنیم. ما آنها را اینجا نمی‌خواهیم و جاهای دیگر نیز آنها را نمی‌خواهیم چه خودشان بپذیرند چه نپذیرند.»^۶ در سال ۱۹۶۰، تنها ۶ درصد از پزشکان آمریکا، ۳ درصد از وکلا و کمتر از ۱ درصد از مهندسی‌ن را زنان تشکیل می‌دادند.^۷ همچنین زنان شاغل، نصف مردان حقوق دریافت می‌کردند و امکان پیشرفت شغلی برایشان وجود نداشت. اعتقاد عمومی کارفرمایان این بود که زنان به زودی باردار شده و شغل خود را به سرعت ترک می‌کنند.

در سال ۱۹۶۲، کتاب بتی فریدن، تحت عنوان *جذبه زنانه*، انعکاسی از نومییدی زنان و حتی زنان تحصیل کرده‌ای بود که احساس می‌کردند در فضای خانه حبس شده‌اند. یکی از زنان آمریکایی در این‌باره گفته: «من کاملاً ناامید هستم. احساس می‌کنم شخصیت ندارم. زندگی من در درست کردن غذا، مرتب کردن لباس‌ها و خانه خلاصه شده. در خانه هر وقت به من نیاز باشد، مرا صدا می‌زنند. اما من چه کسی هستم؟»^۸ فریدن با چنین فرهنگ تبعیض‌آمیزی به مقابله برخاست و زنان را به فعالیت در خارج از خانه ترغیب کرد. نوشته‌های فریدن به طور گسترده‌ای زنان تحصیل کرده، متوسط رو به بالا و سفیدپوست را مورد

an audience of educated, upper-middle-class white women, her work had such an impact that it is credited with sparking the "second wave" of the American feminist movement. Decades earlier, the "first wave" had pushed for women's suffrage, culminating with the passage of the 19th Amendment that gave women the right to vote in 1920. Now a new generation would take up the call for equality beyond the law and into women's lives.

Goals and Objectives

The feminist movement of the 1960s and '70s originally focused on dismantling workplace inequality, such as denial of access to better jobs and salary inequity, via anti-discrimination laws. In 1964, Representative Howard Smith of Virginia proposed to add a prohibition on gender discrimination into the Civil Rights Act that



was under consideration. He was greeted by laughter from the other Congressmen, but with leadership from Representative Martha Griffiths of Michigan, the law passed with the amendment intact.⁹

However, it quickly became clear that the newly established Equal Employment Opportunity Commission would not

خطاب قرار می‌داد، طوری که به عنوان موج دوم جنبش فمینیستی آمریکا شناخته شد. موج اول فمینیستی در سال ۱۹۲۰، با تصویب متمم ۱۹ آغاز گردید که طی آن زنان توانستند حق رای بگیرند و پس از چند دهه زنان نه تنها خواستار اصلاح در قانون بلکه خواستار تغییرات در زندگی روزمره‌شان می‌شدند.

اهداف و مقاصد

هدف اصلی جنبش فمینیستی دهه ۶۰ و ۷۰، از بین بردن نابرابری در محیط‌های کاری همچون عدم دسترسی به مشاغل بالا و نابرابری در دریافت حقوق از طریق تصویب قوانین برابر بود. در سال ۱۹۶۴، نماینده ایالت ویرجینیا، هوارد اسمیت، پیشنهاد کرد که در قانون مدنی، تبعیض جنسیتی ممنوع اعلام شود. علی‌رغم اینکه این پیشنهاد با تمسخر بقیه نمایندگان کنگره مواجه گردید، در نهایت با حمایت نماینده میشیگان، مارتا گریفیتس، قانون مورد نظر به تصویب رسید.^۹

پس از مدت کوتاهی فعالان جنبش زنان به این نتیجه رسیدند که کمیسیون فرصت‌های برابر استخدام، نمی‌تواند حمایت قانونی از زنان کارگر را تضمین نماید، در نتیجه گروهی از زنان فمینیست همچون بتی فریدن تصمیم گرفتند سازمانی را جهت مبارزه با تبعیض جنسیتی از طریق نظام قانون‌گذاری و قضاییه، بنیان نهند. در تابستان ۱۹۶۶، این گروه فمینیستی، سازمان ملی زنان را تأسیس نمودند تا از این طریق بتوانند برای تصویب قوانین برابر در کنگره، لابی کرده و به زنانی که در اعتراض به تبعیض کاری در دادگاه‌ها پرونده دارند، کمک حقوقی ارائه کنند.^{۱۰}

نسل بتی فریدن برای از بین بردن نظام تبعیض

enforce the law's protection of women workers, and so a group of feminists including Betty Friedan decided to found an organization that would fight gender discrimination through the courts and legislatures. In the summer of 1966, they launched the National Organization for Women (NOW), which went on to lobby Congress for pro-equality laws and assist women seeking legal aid as they battled workplace discrimination in the courts.¹⁰

As such, Betty Friedan's generation sought not to dismantle the prevailing system but to open it up for women's participation on a public, political level. However, the more radical "women's liberation" movement was determined to completely overthrow the patriarchy that they believed was oppressing every facet of women's lives, including their private lives.¹¹ They popularized the idea that "the personal is political" - that women's political inequality had equally important personal ramifications, encompassing their relationships, sexuality, birth control and abortion, clothing and body image, and roles in marriage, housework and childcare.¹² As such, the different wings of the feminist movement sought women's equality on both a political and personal level.

Leadership

The feminist movement was not rigidly structured or led by a single figure or group. As one feminist wrote, "The women's movement is a non-hierarchical one. It does things collectively and

آماده نبود، بلکه به دنبال فراهم کردن شرایطی بود تا زنان بتوانند در عرصه عمومی مشارکت داشته باشند. در حالی که جنبش تندروتر «آزادی زنان» به دنبال از بین بردن نظام مردسالاری بود که به عقیده آنها تمام زندگی زنان را تحت تاثیر خویش قرار داده بود.^{۱۱} آنها این عقیده را ترویج می کردند که «شخصی سیاسی است» - بدین صورت که نابرابری سیاسی علیه زنان بر بخش‌های مختلف زندگی خصوصی افراد تاثیر می گذارد، از جمله روابط خصوصی، رابطه زناشویی، بارداری، سقط جنین، پوشش بدن، نقش افراد در ازدواج، خانه‌داری و تربیت فرزندان.^{۱۲} در واقع فعالان جنبش زنان، خواستار برابری در هر دو بخش سیاسی و زندگی خصوصی بودند.

رهبری

جنبش فمینیستی به صورت مشخص از سوی یک نفر یا یک گروه هدایت نمی شد. بنا به گفته یکی از فعالین فمینیستی «در جنبش زنان، سلسله مراتب وجود ندارد. فعالیت‌های جنبش به صورت گروهی و تجربی انجام می شود».^{۱۳} در واقع جنبش به دو بخش تقسیم می شد؛ جوانان و افراد مسن تر، طبقه بالا و پایین جامعه، محافظه کاران و تندروها. بتی فریدن به دنبال این بود تا جنبش زنان را تبدیل به بخش قابل قبولی از جامعه آن روز کند. او از آنچه که به عنوان مکتب فمینیستی «سیاست ارگاسم ضد مرد» می خواند، فاصله می گرفت. او حتی سال‌ها تلاش کرد تا به طور ضمنی این مساله را القا نماید که گلوریا استاینم، رهبر جوان فمینیستی، با «اف بی آی» و «سی آی ای» در ارتباط است.^{۱۴} فمینیست‌های جوان تر به نسل قدیم بی اعتماد بودند و سازمان ملی زنان را محافظه کار می خواندند که به دور از واقعیت روز

experimentally."¹³ In fact, the movement was deeply divided between young and old, upper-class and lower-class, conservative and radical. Betty Friedan was determined to make the movement a respectable part of mainstream society and distanced herself from what she termed the "bra-burning, anti-man, politics-of-orgasm" school of feminism; she even spent years insinuating that the young feminist leader Gloria Steinem had sinister links to the FBI and CIA.¹⁴ Younger feminists, for their part, distrusted the older generation and viewed NOW as stuffy and out of touch: "NOW's demands and organizational style weren't radical enough for us."¹⁵

When these divides were combined with a reluctance to choose official leaders for the movement, it gave the media an opening to anoint its own "feminist leaders," leading to resentment within the movement. Meanwhile, in this leadership vacuum, the most assertive women promoted themselves as leaders, prompting attacks from other women who believed that all members of the movement should be equal in status.¹⁶

Nonetheless, women like Gloria Steinem and Germaine Greer attracted media attention through both their popular writings and their appealing image. They played a key role representing feminism to the public and the media — providing attractive examples of women who were feminists without fitting the negative stereotypes of humorless, ugly, man-hating shrews.¹⁷

گام برمی‌دارند: «خواسته‌های سازمان ملی زنان و ساختار آن جواب‌گویی ما نبود».^{۱۵}
زمانی که این دوگانگی‌ها با بی‌توجهی نسبت به انتخاب رهبران رسمی جنبش همراه شد، فضا برای رسانه‌ها آماده شد تا رهبران خود را مطرح کنند. این مساله خشم جنبش را برانگیخت. در همین حال، گروهی از زنان مدعی، خود را به عنوان رهبران جنبش معرفی کردند. این موضوع



هم باعث برانگیخته شدن دیگر زنان شد، چرا که آنها معتقد بودند تمامی اعضای جنبش می‌بایست در یک سطح قرار گیرند.^{۱۶}

با این وجود، زنانی چون گلوریا استاینم و ژرمن گریر توانستند با نوشته‌ها و تصویر جذاب‌شان، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کنند. آنها به عنوان نمونه‌های خوب و جذاب از زنان فمینیست، در شناساندن فمینیسم به عموم مردم

Civic Environment

In large part, the success of the feminist movement was driven by a favorable confluence of economic and societal changes. After World War II, the boom of the American economy outpaced the available workforce, making it necessary for women to fill new job openings; in fact, in the 1960s, two-thirds of all new jobs went to women.¹⁸ As such, the nation simply had to accept the idea of women in the workforce. Meanwhile, as expectations for a comfortable middle-class lifestyle rose, having two incomes became critical to achieving this lifestyle, making women's participation in the workforce still more acceptable.¹⁹

But many of these women were relegated to low-paying clerical and administrative work. What opened the door for women to pursue professional careers was access to the Pill - reliable oral contraception. Knowing that they could now complete years of training or study and launch their career without being interrupted by pregnancy, a wave of young women began applying to medical, law, and business schools in the early 1970s. At the same time, the Pill made the "sexual revolution" possible, helping to break down the double standard that allowed premarital sex for men but prohibited it for women.

Feminist leaders were also inspired by the Civil Rights movement, through which many of them had gained civic organizing experience. At the same time, black women played a key role in the Civil

و رسانه‌ها نقش کلیدی ایفا کردند تا این تصور را ایجاد کنند که زنان فمینیست لزوماً چهره‌های منفی زشت ضد مرد نیستند.^{۱۷}

فضای مدنی

بخش بزرگی از موفقیت جنبش زنان، به تحولات اقتصادی و اجتماعی آن زمان برمی‌گردد. پس از جنگ جهانی دوم، شکوفایی اقتصاد آمریکا باعث شد تا زنان، مشاغل جدید را در دست بگیرند. در واقع در دهه ۶۰، دو سوم مشاغل جدید در دست زنان قرار گرفت.^{۱۸} بنابراین، جامعه می‌بایست پذیرای زنان در محیط‌های کاری می‌شد. در همین حال، با بالا رفتن انتظارات طبقه متوسط، داشتن دو منبع درآمد اجتناب‌ناپذیر بود به طوری که این امر پذیرش زنان در محیط‌های کاری را امکان‌پذیر می‌کرد.^{۱۹}

اما بسیاری از این زنان در مشاغل کم‌درآمد و دفتری گمارده می‌شدند. آنچه که باعث شد زنان در مشاغل حرفه‌ای در نظر گرفته شوند، دسترسی به داروهای ضد بارداری بود. با ایجاد این تفکر که بدون هیچ وقفه و نگرانی بابت بارداری، زنان می‌توانند تحصیلات خود را تمام کرده و وارد بازار کار شوند، در اوایل دهه ۷۰، موج گسترده‌ای از زنان جوان در رشته‌های پزشکی، حقوق و تجارت مشغول به تحصیل شدند. در همین زمان، دسترسی به داروهای ضد بارداری، آنچه که به عنوان انقلاب جنسی از آن یاد می‌شود را امکان‌پذیر کرد، به طوری که روابط جنسی برای زنان نیز مانند مردان آزاد شد.

رهبران فمینیستی متأثر از جنبش حقوق مدنی نیز بودند، به طوری که در طی آن بسیاری از آنها تجربیات جدیدی را در خصوص سازمان‌دهی مدنی فرا گرفتند. در همین زمان، زنان سیاه‌پوست

Rights movement, especially through local organizations, but were shut out of leadership roles.²⁰ Meanwhile, the women's anti-war movement was joined by a new generation of more radical young women protesting not only the Vietnam war but also "the way in which the traditional women's peace movement condoned and even enforced the gender hierarchy in which men made war and women wept."²¹ On college campuses, women joined in the leftist student movement, but their efforts to incorporate women's rights into the New Left were ignored or met with condescension from the male student leaders; at one New Politics conference, the chairman told a feminist activist, "Cool down, little girl. We have more important things to do here than talk about women's problems."²² As a result, women split off from the movements that marginalized them in order to form their own movement.

At the same time, the FBI viewed the women's movement as "part of the enemy, a challenge to American values," as well as potentially violent and linked to other "extremist" movements.²³ It paid hundreds of female informants across the country to infiltrate the women's movement.²⁴ While this infiltration intensified paranoia and eroded trust among activists, it did not change the course of the movement as it continued to fight for equal rights.²⁵

Message and Audience

The women's movement used different means to strive for equality: lobbying Congress to change laws; publicizing

نیز نقش کلیدی را در جنبش حقوق مدنی به خصوص از طریق سازمان‌های محلی ایفا نمودند، اما این گروه از زنان در پست‌های رهبری جایی نداشتند.^{۲۰} هم‌زمان، جنبش زنان ضد جنگ از طرف گروهی از زنان جوان تندرو به وجود آمد که نه تنها نسبت به جنگ در ویتنام بلکه نسبت به برتری مردان و تصمیمات مردانه در روند جنگ و صلح نیز معترض بودند.^{۲۱} در دانشگاه‌ها زنان به جنبش دانشجویی چپ پیوستند اما تلاش‌هایشان برای نهادینه کردن حقوق زنان در جناح چپ جدید، از سوی رهبران دانشجویی که از مردان تشکیل می‌شدند، با بی‌اعتنایی روبرو شد. در کنفرانسی با عنوان سیاست جدید، رئیس جلسه خطاب به یکی از فعالان فمینیستی چنین گفت: «آرام باشید، دختر کوچک، ما در اینجا مسائل بسیار مهم‌تری از حقوق زنان داریم که باید انجام دهیم.»^{۲۲} در نتیجه چنین برخوردهایی زنان نیز از گروه‌های موجود فاصله گرفتند تا خود به طور مستقل سازمان‌دهی شوند.

در همین زمان، اف بی آی نیز جنبش زنان را به عنوان: دشمن، گروه‌های تندرو، خشن و راهی برای مبارزه با ارزش‌های آمریکایی تلقی می‌کرد.^{۲۳} برای همین صدها زن به عنوان عامل نفوذی در جنبش زنان وارد شدند.^{۲۴} با اینکه این مساله اعتماد میان فعالان را مخدوش می‌کرد، باز هم نتوانست در روند اصلی جنبش که همان مبارزه برای حقوق مساوی بود تأثیر بگذارد.^{۲۵}

پیام و مخاطب

جنبش زنان راه‌های مختلف را برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کرد، که عبارتند از: لابی‌گری در کنگره برای تغییر قوانین، عمومی کردن مباحثی چون تجاوز و خشونت خانگی از

issues like rape and domestic violence through the media; and reaching out to ordinary women to both expand the movement and raise their awareness of how feminism could help them.

Early in the women's liberation movement, which was deeply rooted in the New Left, activists took an aggressive approach to their protests. Protests against sexism in the media ranged from putting stickers saying "Sexist" on offensive advertisements to holding sit-ins at local media outlets, all the way to sabotage of newspaper offices.²⁶ This approach sometimes crossed the line into offensiveness, as at the 1968 demonstration outside the Miss America pageant in Atlantic City, where activists protested objectification of women by waving derogatory signs like "Up Against the Wall, Miss America." While the event attracted widespread media coverage (and launched the myth that feminists burned bras), the approach was alienating. As a result, many activists resolved to "stop using the 'in-talk' of the New Left/Hippie movement" and strive to reach ordinary women across the country.²⁷

"Consciousness-raising groups" became an effective way to do so; in small groups in local communities, women explored topics such as family life, education, sex, and work from their personal perspectives. As they shared their stories, they began to understand themselves in relation to the patriarchal society they lived in, and they discovered their commonalities and built solidarity;

طریق رسانه‌ها و نزدیکی به زنان عادی جامعه جهت گسترش جنبش و افزایش آگاهی نسبت به کارکرد جنبش در زندگی روزمره آنها.

در اوایل فعالیت‌های جنبش آزادی‌خواهانه زنان که بسیار متأثر از جناح چپ جدید بود، فعالان در اعتراضاتشان رویکرد تهاجمی گرفتند. اعتراض علیه تبعیض جنسی در رسانه‌ها از طرق مختلف انجام می‌شد، از زدن برچسب سکسی در تبلیغات توهین‌آمیز گرفته تا تحصن در دفتر روزنامه‌ها.^{۲۶} چنین رویکردی چندان بی‌تاثیر نبود به طوری که در تظاهرات سال ۱۹۶۸، که بیرون از محل برگزاری مراسم دختر شایسته آمریکا در شهر آتلانتیک برگزار شد، در اعتراض به استفاده ابرازی از زنان، شعار «تو حق انتخاب نداری دختر شایسته آمریکا»، را سر می‌دادند. با اینکه این واقعه توجه بسیاری از رسانه‌ها را به خود جلب نمود، چندان نتوانست همه‌گیر باشد. در نتیجه، بسیاری از فعالان تصمیم گرفتند تا به جای توسل به جناح چپ، از زنان عادی در سرتاسر کشور برای رسیدن به اهداف خود بهره‌جویند.^{۲۷}

گروه‌هایی که مسئول بالا بردن آگاهی مردم بودند، به دسته‌های کوچک در محلات مختلف تقسیم می‌شدند و درباره موضوعاتی چون زندگی خانوادگی، آموزش، سکس و کار از دیدگاه خود صحبت می‌کردند. از آنجا که این زنان داستان زندگی خود را می‌گفتند، آنها خود را در رابطه تنگاتنگ با جامعه مردسالار می‌دیدند که نقطه مشترک تمامی زنان بود. بنا به گفته یکی از این زنان: «من خود را بخشی از جامعه بزرگ زنان می‌بینم. شرایط ما منحصر به فرد نیست، می‌توان آن را در ساختار اجتماعی موجود ترسیم نمود».^{۲۸} در کمپین‌های سقط جنین، فعالان زن با قانون‌گذاران، نشست‌هایی را برگزار کردند

as one said, "[I began to] see myself as part of a larger population of women. My circumstances are not unique, but...can be traced to the social structure."²⁸

Meanwhile, in their campaigns for the legalization of abortion, activists testified before state legislatures and held public "speak-outs" where women admitted to illegal abortions and explained their reasons for abortion; these events "brought abortion out of the closet where it had been hidden in secrecy and shame. It informed the public that most women were having abortions anyway. People spoke from their hearts. It was heart-rending."²⁹ The "speak-out" was also used to publicize the largely unacknowledged phenomenon of rape, as activists also set up rape crisis centers and advocacy groups, and lobbied police departments and hospitals to treat rape victims with more sensitivity.³⁰ To publicize date rape, the annual "Take Back the Night" march on college campuses was launched in 1982.³¹

Activists also defined and campaigned against sexual harassment, which was legally defined as a violation of women's rights in 1980; they also redefined spousal abuse as not a tradition but a crime, lobbied for legal change, and set up domestic violence shelters.³² The women's health movement set up a new goal of creating a women-centered health system, rather than the existing system that was often insensitive to women's needs; activists educated themselves on the female body, began giving classes in homes, daycares, and churches, set up women's clinics, and

و دلایل خود را در ارتباط با سقط جنین عنوان نمودند؛ «این امر باعث شد تا مساله سقط جنین به طور عمومی مورد بحث قرار گیرد. فعالان تلاش داشتند تا به عموم مردم بفهمانند که بیشتر زنان تجربه سقط جنین داشته‌اند. آنها از آنچه که در دلشان بود حرف می‌زدند.»^{۲۹} طی این نشست‌ها فعالان تلاش می‌کردند تا مساله تجاوز را نیز به طور عمومی مورد بحث قرار دهند و جهت پیشبرد چنین رویکردی، گروه‌های دفاع از زنان



و مراکز بحران در خصوص زنان قربانی، ایجاد کردند. همچنین فعالان از روش‌های لابی‌گری در مراکز پلیس و بیمارستان‌ها جهت مراقبت از قربانیان تجاوز جنسی، استفاده می‌کردند.^{۳۰} جهت عمومی‌سازی بحث مربوط به تجاوز در رابطه میان دختران و پسران، راهپیمایی در دانشگاه‌ها در سال ۱۹۸۲، برپا گردید.^{۳۱}

همچنین فعالان زن، فعالیت‌های خود را علیه آزار جنسی به عنوان نقض حقوق زنان آغاز

published the reference book *Our Bodies, Ourselves*.³³

Meanwhile, the women's movement was producing a huge number of journals in local communities across the country. While these journals were produced largely for members of the movement, Gloria Steinem's *Ms. Magazine*, founded in 1971, expanded the audience to the general public at a national level. It publicized the problems ordinary women faced, published inspirational stories of successful women, and covered grassroots activist efforts across the country.³⁴

At the same time, the movement used class action lawsuits, formal complaints, protests, and hearings to create legal change.³⁵ By the late 1970s, they had made tangible, far reaching gains, including the outlawing of gender discrimination in education, college sports, and obtaining financial credit³⁶; the banning of employment discrimination against pregnant women³⁷; the legalization of abortion³⁸ and birth control³⁹; and the establishment of "irreconcilable differences" as grounds for divorce and equalization of property division during divorce.⁴⁰ Members of the women's movement were invigorated by these successes; as one said, "I knew I was a part of making history...It gave you a real high, because you knew real things could come out of it."⁴¹

The August 1970 Women's Strike for Equality, a nationwide wave of protests, marches, and sit-ins, captured this spirit of optimism. However, it soon gave way

کردند؛ سوءاستفاده جنسی از سوی همسران نیز مساله دیگری بود که از سوی مدافعین حقوق زن مورد بحث قرار گرفت. به علاوه خانه‌های امنی برای حمایت از زنان قربانی خشونت خانگی تأسیس گردید.^{۳۳} یکی دیگر از مسائل مورد توجه جنبش زنان، ایجاد نظام بهداشت و سلامت زنان بود که نیازهای خاص زنان را مورد توجه قرار دهد. فعالان تلاش نمودند تا آگاهی خود را نسبت به مسائل پزشکی زنانه بالا برند و در همین راستا کلاس‌هایی را در خانه‌ها، مهد کودک‌ها و کلیساها برگزار کردند. همچنین فعالان توانستند کلینیک‌های پزشکی برای زنان راه‌اندازی و کتاب مرجعی را تحت عنوان بدن‌های ما، خودمان، تألیف کنند.^{۳۴}

در عین حال، جنبش زنان مجلات بسیاری در سراسر کشور منتشر می‌کرد. با اینکه این مجلات به طور عمده برای اعضای جنبش تهیه می‌شدند، مجله گلوریا استینم که در سال ۱۹۷۱، تأسیس گردیده بود، طیف وسیعی از جامعه را مخاطب قرار داد. این مجله مشکلاتی که زنان عادی با آن روبه‌رو بودند و داستان زندگی زنان موفق و تلاش فعالان مردمی را منعکس می‌کرد.^{۳۵}

جنبش زنان از راه‌های قانونی همچون تشکیل پرونده و طرح شکایت نزد مراجع قضایی نیز مطالبات زنان را دنبال می‌کرد.^{۳۶} از جمله مهم‌ترین دستاوردهای جنبش تا اواخر دهه ۷۰، عبارت بودند از: منع تبعیض جنسی در مدارس و دانشگاه‌ها، ورزش و نیز تحصیل اعتبار مالی^{۳۷}؛ منع تبعیض در محیط کاری علیه زنان باردار^{۳۸}؛ قانونی کردن سقط جنین^{۳۹} و پیشگیری از بارداری^{۴۰}، حق طلاق به دلیل عدم ناسازگاری و برابری در تقسیم اموال پس از طلاق.^{۴۱} این دستاوردها اراده اعضای جنبش را بسیار تقویت کرد. همچنان که یکی

to a backlash exemplified by the failure of the Equal Rights Amendment (ERA), a proposed constitutional amendment that would protect women's rights. It swiftly passed Congress in 1972 and was ratified by 30 states by the end of the following year. Still, it was unable to gain the 8 additional ratifications necessary by the 1982 deadline. At first there was widespread public support for the ERA by a margin of at least two to one - in theory, at least.⁴² In practice, the public was still very conservative when it came to men's and women's roles, and a growing backlash against the changes feminism represented coincided with a backlash against gay rights and abortion rights, as led by the newly ascendant conservative movement, particularly the Christian right wing.

Moreover, the women's movement failed to communicate the benefits of the ERA; by the time it passed Congress, many of the inequalities in the country's laws had already been addressed, and it was hard for the public to see what positive impact the amendment could have.⁴³ The ERA's opponents, on the other hand, painted a vivid picture of the terrible effects the ERA could have on the country. They attacked it as a plot to dismantle the foundations of American society, especially the family, and denounced the ERA's "hidden agenda": "taxpayer funding of abortions and the entire gay rights agenda."⁴⁴ The ERA's leading opponent, Phyllis Schlafly, denied that women were discriminated against at all; rather, she said, they enjoyed a sanctified

از اعضا گفته است: «می‌دانستم که من بخشی از جنبش تاریخ‌ساز خواهم بود، این امر به انسان دید وسیع و واقعی می‌دهد چرا که شما می‌دانید چیزهای واقعی از آن ناشی می‌شود.»^{۴۱}

اعتصاب زنان برای برابری در اوت ۱۹۷۰، موج وسیعی از اعتراضات، راهپیمایی‌ها و نشست‌ها، همگی در تقویت روحیه اعضای جنبش بسیار مؤثر بود. اصلاحات قانون اساسی برای حقوق برابر نیز سرانجام از سوی ۳۰ ایالت در اواخر سال ۱۹۷۳، به تصویب رسید اما جنبش نتوانست ۸ تصویب دیگر را تا مهلت قانونی یعنی سال ۱۹۸۲، به دست آورد. اول آنکه گروه‌های اندکی به نسبت دو به یک این اصلاحات را مورد حمایت قرار می‌دادند.^{۴۲} در عمل نیز گروه‌های بسیاری در مورد نقش‌های مردان و زنان، نظرات محافظه‌کارانه داشتند و مقاومت نسبت به خواسته‌های زنان با عکس‌العمل‌هایی علیه حقوق همجنس‌گرایان و سقط جنین از سوی جناح راست مسیحی همراه گردید.

به علاوه، جنبش زنان نتوانست از فواید اصلاحات فوق به اندازه کافی سخن گوید. زمانی که این اصلاحات از تصویب کنگره گذشت، بسیاری از نابرابری‌های قانونی مورد بحث قرار گرفته بود اما عموم مردم نمی‌توانستند نکات مثبت این دسته از اصلاحات را ببینند.^{۴۳} از طرف دیگر، مخالفان اصلاحات، تبلیغات گسترده‌ای را علیه اصلاحات آغاز کرده بودند. آنها این تغییرات را دسیسه‌ای برای سست کردن پایه‌های جامعه آمریکا به خصوص خانواده معرفی می‌کردند و حامیان سقط جنین و حقوق همجنس‌گرایان را تقبیح می‌کردند.^{۴۴} فیلیس اشلافل، یکی از اصلی‌ترین مخالفینی بود که تبعیض جنسی علیه زنان را به طور کل انکار می‌کرد و معتقد بود زنان

position in American society through the "Christian tradition of chivalry," which the ERA would destroy.⁴⁵ While the ERA failed, and the backlash against feminism has continued, the struggle for women's rights has also continued, leaving a lasting impact on American society.

Outreach Activities

Due to the cross-cutting nature of the women's movement, which included women who were already members of other movements, it was naturally suited to build links with these movements. For instance, some members of the feminist movement traveled abroad to meet Vietnamese women who were against the war in that country, in an effort to build sisterly anti-war solidarity.⁴⁶ Meanwhile, feminists with roots in the labor movement launched local groups to organize women workers, improve their working conditions, and fight for their equal rights on the job.⁴⁷ Black feminists targeted such issues as child care, police repression, welfare, and healthcare, and founded the National Black Feminist Organization in 1973.⁴⁸

By the end of the 1970s, activists burned out, and the women's movement fragmented - but the services they founded, such as rape crisis centers, women's shelters, and health clinics, were integrated into the mainstream as cities, universities, and religious organizations provided program funding.⁴⁹ Today the gains of the feminist movement - women's equal access to education, their increased participation in politics and the workplace, their access

از جایگاه والایی در جامعه آمریکا برخوردارند و این را مدیون سنت مسیحی هستند و اصلاحات قصد نابودی آن را دارد.^{۴۵} با وجود آنکه اصلاحات با شکست مواجه گردید، تلاش برای حقوق زنان همچنان ادامه داشت و تاثیر خود را بر جامعه آمریکا گذاشت.

فعالیت‌های فراگستر

به دلیل ماهیت خاص جنبش زنان که اعضای آن پیش‌تر در دیگر جنبش‌ها حضور داشتند، امکان برقراری ارتباط با دیگر جنبش‌ها وجود داشت. بسیاری از اعضای جنبش فمینیستی به دیگر نقاط جهان سفر می‌کردند، به طور مثال آنها به ویتنام سفر می‌کردند تا با زنان ویتنامی که مخالف جنگ بودند ملاقات کنند و همبستگی میان زنان، ایجاد نمایند.^{۴۶} در همین حال فمینیست‌های فعال در زمینه حقوق کار، گروه‌های محلی جهت سازمان‌دهی کارگران زن، بهبود شرایط کار و مبارزه برای حقوق برابر شغلی ایجاد کردند.^{۴۷} فمینیست‌های سیاه‌پوست، مسائلی چون مراقبت از فرزندان، سرکوب پلیس، رفاه اجتماعی و مراقبت پزشکی را مطرح می‌کردند و سازمان ملی فمینیستی سیاهان را در سال ۱۹۷۳، تأسیس کردند.^{۴۸}

تا پایان دهه ۷۰، جنبش زنان دچار از هم گسیختگی شد اما خدماتی که بنیان نهادند همچون مراکز بحران تجاوز جنسی، خانه‌های امن و کلینیک‌های پزشکی در سطح شهرها و دانشگاه‌ها گسترده شده بودند و مراکز مذهبی، بودجه لازم را برای این برنامه‌ها تأمین می‌کردند.^{۴۹} امروزه دستاوردهای جنبش فمینیستی جهت پیشبرد پروژه‌های دیگر بهره‌برداری می‌شود، از جمله این دستاوردها عبارتند از: دسترسی برابر

to abortion and birth control, the existence of resources to aid domestic violence and rape victims, and the legal protection of women's rights - are often taken for granted. While feminists continue to strive for increased equality, as Betty Friedan wrote, "What used to be the feminist agenda is now an everyday reality. The way women look at themselves, the way other people look at women, is completely different...than it was thirty years ago... Our daughters grow up with the same possibilities as our sons."⁵⁰

به آموزش، مشارکت فزاینده در امور سیاسی و محیط‌های اشتغال، امکان سقط جنین و پیشگیری از بارداری، وجود منابع لازم برای کمک به قربانیان خشونت خانگی و تجاوز جنسی و حمایت قانونی از حقوق زنان. زنان همچنان برای دستیابی به حقوق بیشتر فعالیت می‌کنند و همان‌طور که بتی فریدن می‌گوید: «آنچه که تنها به عنوان فمینیسم خوانده می‌شد، امروز بخشی از واقعیت زندگی است. نگاه زنان به خودشان و نگاه دیگران به زنان، کاملاً از آنچه که ۳۰ سال پیش بود متفاوت است، دخترانمان با امکاناتی مشابه پسرانمان رشد می‌کنند.»^{۵۰}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

1. Coontz, Stephanie. *A Strange Stirring: The Feminine Mystique and American Women at the Dawn of the 1960s*. New York: Basic Books, 2011. 42.
2. Coontz, Stephanie. "When We Hated Mom." *New York Times*. 7 May. 2011.
3. *A Strange Stirring* 46.
4. Collins, Gail. *When Everything Changed: The Amazing Journey of American Women from 1960 to the Present*. New York: Little, Brown & Company, 2009. 43.
5. "100 Years of Consumer Spending: 1960-61." Bureau of Labor Statistics. 2006. PDF.
6. Collins 38.
7. *Ibid.*
8. Collins 117.
9. *Ibid.* 149-160.
10. *Ibid.* 165-168.
11. *Ibid.* 368-9.
12. Rosen, Ruth. *The World Split Open: How the Modern Women's Movement Changed America*. New York: Viking Penguin, 2000. 196.
13. Collins 388.
14. Sullivan, Patricia. "Voice of Feminism's 'Second Wave.'" *Washington Post*. 5 Feb. 2006.
15. Rosen 84, 88.
16. *Ibid.* 227-9.
17. *Ibid.* 154, 217.
18. Collins 194.
19. *Ibid.* 199.
20. *Ibid.* 238.
21. *Ibid.* 367.

22. Ibid. 372-3.
23. Rosen 245-6.
24. Ibid. 241.
25. Ibid. 259-60.
26. Ibid. 162.
27. Ibid. 161.
28. Ibid. 197, 248.
29. Ibid. 158.
30. Ibid. 182.
31. Ibid. 184.
32. Ibid. 186-7.
33. Ibid. 176.
34. Ibid. 211, 216.
35. Ibid. 88-90.
36. Title IX of the Education Amendments (1972); the Equal Credit Opportunity Act (1974).
37. The Pregnancy Discrimination Act (1978).
38. The Roe v. Wade Supreme Court decision (1973).
39. The Eisenstadt v. Baird Supreme Court ruling (1972).
40. The Uniform Marriage and Divorce Act (1970), passed by the U.S. Uniform Law Commission, which strongly influenced state laws.
41. Rosen 200.
42. Daniels, Mark R., Robert Darcy, and Joseph W. Westphal. "The ERA Won Ð At Least in the Opinion Polls." PS: Political Science and Politics 15:4 (Autumn 1982), American Political Science Association.
43. Collins 444.
44. Schlafly, Phyllis. "'Equal rights' for women: wrong then, wrong now." Los Angeles Times, 8 April 2007.
45. Collins 451.
46. Rosen 137-8.
47. Ibid. 268-9.
48. Ibid. 282-4.
49. Ibid. 270.
50. Friedan, Betty. Life So Far: A Memoir. New York: Touchstone, 2000. 375.

Learn More

News and Analysis

Carabillo, Toni, Judith Meuli, and June Bundy Csida. "Part II [Timeline]." Feminist Chronicles: 1953-1993. Feminist Majority Foundation. 2009.

CWLU Herstory Project. "Classic Feminist Writings." The Chicago Women's Liberation Union.

"Documents from the Women's Liberation Movement: An Online Archival Collection." Special Collections Library, Duke University. 1997.

بیشتر بدانید

خبرها و مقاله‌ها

- Freeman, Jo. "From Suffrage to Women's Liberation: Feminism in Twentieth Century America." Published in *Women: A Feminist Perspective*, ed. Jo Freeman. Mountain View, Calif: Mayfield, 5th ed, 1995, pp. 509-28.
- Freeman, Jo. "The Revolution for Women in Law and Public Policy." Published in *Women: A Feminist Perspective* ed. Jo Freeman. Mountain View, Calif: Mayfield, 5th ed., 1995, pp. 365-404.
- Hanisch, Carol. "The Personal is Political." *Notes from the Second Year: Women's Liberation*. February 1969.
- "Living the Legacy: The Women's Rights Movement, 1848-1998." National Women's History Project. 2002.
- Middleton, Ken. "Discovering American Women's History Online." James E. Walker Library, Middle Tennessee State University. 2010.
- National Women's History Project Resource Center. 2009.
- Steinem, Gloria. "After Black Power, Women's Liberation." *New York Magazine*. 4 April 1969.
- "Women and Social Movements in the United States, 1600-2000." Center for the Historical Study of Women and Gender, SUNY Binghamton; Alexander Street Press. 2011.

Books

کتاب‌ها

- Baxandall, Rosalyn and Linda Gordon, eds. *Dear Sisters: Dispatches from the Women's Liberation Movement*. New York: Basic Books, 2000.
- Brownmiller, Susan. *In Our Time: Memoir of a Revolution*. New York: Dial Press, 2000.
- Collins, Gail. *America's Women: 400 Years of Dolls, Drudges, Helpmates, and Heroines*. New York: Harper Collins, 2004.
- Collins, Gail. *When Everything Changed: The Amazing Journey of American Women from 1960 to the Present*. New York: Little, Brown and Company, 2009.
- Coontz, Stephanie. *A Strange Stirring: The Feminine Mystique and American Women at the Dawn of the 1960s*. New York: Basic Books, 2011.
- Davis, Flora. *Moving the Mountain: The Women's Movement in America Since 1960*. New York: Simon & Schuster, 1991.
- Faludi, Susan. *Backlash: The Undeclared War Against American Women*. New York: Anchor, 1991.
- Freedman, Estelle. *No Turning Back: The History of Feminism and the Future of Women*. New York: Ballantine Books, 2003.
- Friedan, Betty. *The Feminine Mystique*. New York: Norton & Company, 1963.
- Helgesen, Sally. *Everyday Revolutionaries: Working Women and the Transformation of American Life*. New York: Doubleday, 1997.
- Hooks, Bell. *Feminist Theory: From Margin to Center*. Cambridge: South End Press, 1984.
- Jones, Jacqueline. *Labor of Love, Labor of Sorrow: Black Women, Work, and the Family, from Slavery to the Present*. New York: Basic Books, 2009.
- Kessler-Harris, Alice. *Out to Work: The History of Wage-Earning Women in the United States*. New York: Oxford University Press, 1983.
- Rosen, Ruth. *The World Split Open: How the Modern Women's Movement Changed America*. New York: Penguin, 2006.
- Schneir, Miriam. *Feminism in Our Time: The Essential Writings, World War II to the Present*. New York: Vintage Books, 1994.

Siegel, Deborah. *Sisterhood, Interrupted: From Radical Women to Girls Gone Wild*. New York: Palgrave Macmillan, 2007.

Videos

ویدئوہا

Reichert, Julia and Jim Klein. *Growing Up Female*. 1971.



کمپین یک میلیون امضا تغییر برای برابری در ایران

The One Million Signatures Campaign

Working for Equality in Iran

Vision and Motivation

Iranian women have a long history of leadership in the country's political and social movements for change, stretching back to the 1890 Tobacco Protest, a civic movement against dictatorship and foreign interference in Iran. During the 1905 Constitutional Revolution that established an Iranian Constitution and Parliament, women's voices became more organized, and an effort was launched to raise political awareness about women's rights and to educate girls and women. Women's journals and associations began to emerge.

After the Pahlavi Dynasty came to power in 1925, it strove to modernize Iran through reforms including to the educational system, female literacy and

بینش و انگیزه

مشارکت زنان ایرانی در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، تاریخ طولانی دارد که به قرن‌ها پیش برمی‌گردد. مبارزه زنان به همراه مردان علیه دیکتاتوری و مداخله خارجی‌ان طی نهضت تنباکو (۱۲۶۸ خورشیدی - ۱۳۰۷ قمری)، نشان‌گر حضور زنان در صحنه اجتماعی و سیاسی می‌باشد. طی انقلاب مشروطه نیز جنبش زنان به طور سازمان‌دهی شده‌ای به مبارزات خویش ادامه داد که بالا رفتن آگاهی سیاسی و سواد میان زنان از طریق تأسیس مدارس، انجمن‌ها و نشریات زنان، از جمله دستاوردهای جنبش در آن زمان بود.

پس از آنکه رژیم پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به قدرت رسید، تلاش زیادی برای

women's active participation in public life. Women's rights and opportunities were expanded, from groundbreaking equality in the family to political participation. First, in 1963, women were granted the right to vote and run for office. Four years later, the Family Protection Law heralded a revolution for family law, and the 1975 amendment to the law protected women's rights even more robustly, making it an unprecedented codification of women's rights in the Middle East region. The courts adjudicated issues such as divorce, child custody, child support, and multiple marriages, whereas previous to the landmark legislation, men had had unilateral rights in these areas; in addition, the minimum age of marriage was raised from 9 to 18 for women and from 15 to 20 for men.¹ At the same time, women occupied 24 seats in both houses of parliament and served as mayors, ministers, city council members, ambassadors, judges, and business leaders.²

The 1979 Islamic Revolution obliterated these achievements and rolled back women's legal status virtually overnight. Within two months after the revolution, many articles of the Family Protection Law were repealed in practice. Women were initially forced to wear the hejab at their workplaces, and many were eventually forced out of the workplace altogether; and parks, beaches, sporting events, and other public spaces such as buses were sex-segregated. Within four years, gender segregation had expanded even to primary and secondary schools;

مدرنیزه کردن ایران نمود که از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها، ایجاد نظام آموزشی نوین، افزایش سطح سواد و مشارکت زنان در عرصه عمومی بود. در دوران پهلوی، حقوق زنان در زمینه‌های مختلف، از مشارکت سیاسی تا حقوق خانواده گسترش یافت. در سال ۱۳۴۱، حق رای به زنان اعطا گردید. در سال ۱۳۴۶ نیز با تصویب قانون حمایت خانواده، تحول بزرگی در قانون خانواده به وقوع پیوست که در منطقه خاورمیانه بی‌سابقه بود و طی اصلاحات سال ۱۳۵۴ نیز بار دیگر حقوق زنان در خانواده ارتقا یافت. در اموری چون طلاق، حضانت کودکان و تعدد زوجات که تا پیش از این، مردان اختیار مطلق داشتند، دادگاه‌ها صلاحیت پیدا کرده و اختیار مردان محدود گردید. همچنین سن ازدواج دختران از ۹ سالگی به ۱۸ و سن ازدواج پسران از ۱۵ سالگی به ۲۰ سال افزایش یافت.^۱ علاوه بر حضور در صحنه اجتماعی، زنان مشارکت سیاسی بالایی نیز در حکومت داشتند، طوری که زنان توانستند ۲۴ صندلی در پارلمان را از آن خود کنند و در پست‌های دیگر حکومتی به عنوان شهردار، سفیر، معاون وزیر و اعضای شورای شهر... ایفای نقش نمایند.^۲

اما پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تمامی این دستاوردها یک شبه از دست رفت و وضعیت حقوقی زنان دچار پس‌رفت شد. بسیاری از مواد قانون حمایت خانواده در عمل ملغی گردید، حجاب اجباری شد و تفکیک جنسیتی در بسیاری از مراکز عمومی اعمال گردید، طوری که طی ۴ سال پس از انقلاب، تفکیک جنسیتی در مدارس ابتدایی و راهنمایی نیز اعمال شد. همچنین حجاب اجباری به صورت قانون درآمد، طوری که تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات

imprisonment and fines were imposed as punishment for women who failed to follow the official dress rules; and women's legal value was reduced to half that of a man in cases requiring monetary compensation for loss of life.³ As Shirin Ebadi put it, "The laws, in short, turned the clock back fourteen hundred years, to... the days when stoning women for adultery and chopping off the hands of thieves were considered appropriate sentences."⁴

During the revolution, liberal women, albeit in limited numbers, held demonstrations against compulsory hejab and sex segregation and were outspoken in their criticism of discriminatory laws; however, in the face of violence from Islamic radicals and complacency from leftist groups, they failed to put forth a coherent and sustained movement to address gender inequality.⁵ In short, many Iranians who may have not been in favor of mandatory hejab chose to stay silent on the matter, and many leftist groups actively called on women to defer their demands for women's rights in favor of larger, so called more important goals. As a result, many liberal-minded women were forced to flee the country, while others, many of them highly educated professional women, were forced out of the public sphere and isolated within the bounds of home. The struggle for equal rights, however constrained and coded, continued over the ensuing decades, eventually leading to the launch of the One Million Signatures Campaign in 2006. During the three previous years, Iranian women's rights activists had grown

اسلامی، مجازات حبس و جزای نقدی را برای بی‌حجابی پیش‌بینی کرد. به علاوه طبق قانون مجازات اسلامی، دیه زنان نصف مردان شد.^۳ در ارتباط با تصویب چنین قوانینی، شیرین عبادی اعتقاد دارد: این قوانین ما را به ۱۴۰۰ سال پیش برگرداند، زمانی که سنگسار زنان برای زنا و قطع عضو برای سرقت، مجازات‌های مناسبی به حساب می‌آمدند.^۴

طی سال‌های اول پس از انقلاب، زنان آزادی‌خواه، تظاهرات‌هایی را علیه حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی برگزار کردند و همیشه قوانین تبعیض‌آمیز را مورد نقد قرار می‌دادند. اما در این دوران به دلیل سرکوب شدید حکومتی، جنبش زنان فاقد نظم سازمان‌دهی شده بود.^۵ بسیاری از زنان، علی‌رغم میل باطنی خود مجبور به سکوت گشته و گروه‌های چپ نیز زنان را به عقب‌نشینی از خواسته‌های خود برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر فرا می‌خواندند. در نتیجه بسیاری از زنان تحصیل کرده به انزوا کشیده شده بودند تا اینکه در سال ۱۳۸۵، با آغاز کمپین یک میلیون امضا، حرکت زنان برای اولین بار به صورت منسجم درآمد. ۳ سال قبل از شروع کمپین، تلاش زنان در سطح بین‌المللی مطرح شد. پس از آنکه در سال ۱۳۸۲، جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی تعلق گرفت، فمینیست‌های ایرانی، جلساتی را در خصوص حقوق زنان برگزار کردند که در نهایت منجر به برگزاری تظاهراتی مقابل دانشگاه تهران، در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۴ گردید. این تظاهرات توانست بیش از ۶۰۰ فعال از زن و مرد را دور یکدیگر جمع کند. یک سال بعد در چنین تاریخی، تظاهرات دیگری در میدان هفتم تیر تهران برگزار گردید که توانست حمایت بسیاری از فعالان حقوق بشر داخل و

increasingly visible on an international level. After human rights lawyer Shirin Ebadi was awarded the Nobel Peace Prize in 2003, Iranian feminists held a series of seminars on women's rights that led to an unprecedented demonstration against gender inequality in front of Tehran University on June 12, 2005. This event united over 600 male and female activists, and on the same day the next year, women's rights activists organized another demonstration in Tehran's Haft-e Tir Square, which gained the support of both local and international human rights groups such as Amnesty International. The protesters "demand[ed] the reform of laws, especially family laws, that discriminate against women."⁶

Activists also distributed a pamphlet on "The Effects of Laws on Women's Lives" across Tehran.⁷ Although the demonstration was peaceful, security forces swiftly broke it up, attacking the activists with clubs and pepper spray and arresting 70 people.⁸ "We never imagined we'd be met with so much resistance," says one of the campaign's founders. "Our demands were so basic."⁹

Two months later, on August 27, a group of 54 activists launched the One Million Signatures Campaign, meeting in the street in front of the closed doors of a Tehran charity institute, due to government restrictions on group meetings.¹⁰ The Campaign launched its activities as a way to demonstrate widespread grassroots support for the Iranian women's rights movement for legal equality. This movement

خارج، از جمله عفو بین‌الملل را به خود جلب کند. تظاهرکنندگان «خواستار اصلاح قوانین، به خصوص قوانین تبعیض‌آمیز خانواده بودند.»^۶ در این حرکت، فعالان جنبش زنان دست به ابتکار زده و جزوه «تاثیر قوانین بر زندگی زنان» را در تهران پخش کردند.^۷ علی‌رغم مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات، نیروهای امنیتی با باتوم و گاز اشک‌آور به شرکت‌کنندگان حمله کرده و ۷۰ نفر را دستگیر کردند.^۸ در خصوص این تظاهرات، یکی از مؤسسان کمپین چنین می‌گوید: «ما اصلاً تصورش را نمی‌کردیم که با چنین مقاومتی روبرو شویم... خواسته‌های ما کاملاً ابتدایی بود.»^۹

دو ماه بعد یعنی در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۸۵، ۵۴ نفر از فعالان جنبش زنان، پشت درهای بسته مؤسسه خیریه رعد، کمپین یک میلیون امضا را آغاز نمودند.^{۱۰} در واقع کمپین، آغاز حرکتی منسجم بود در اعتراض به قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، از طریق آموزش و بالا بردن آگاهی عمومی نسبت به وضعیت حقوقی زنان، جمع‌آوری امضا و فشار بر قانون‌گذاران برای تغییر این قوانین.

اهداف و مقاصد

هدف اولیه کمپین، لغو قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در ایران می‌باشد و در نهایت تغییر هنجارهای فرهنگی و اجتماعی تبعیض‌آمیز در جامعه. از آنجا که رهبران کمپین می‌دانستند جنبش زنان نیاز به حمایت عموم مردم در مقابله با دولت دارد، آنها تصمیم به جمع‌آوری یک میلیون امضا نمودند. جمع‌آوری امضا وسیله‌ای بود برای ایجاد همکاری میان بخش‌های مختلف جامعه. کمپین در صدد ایجاد تغییر از پایین به

addresses gender discrimination in Iran's legal system through public education on women's legal status, collecting signatures on a petition to change discriminatory laws, and putting pressure on legislators to change these laws.

Goals and Objectives

The campaign's primary goal is to dismantle discriminatory laws against women in Iran, with a wider vision of transforming the societal and cultural norms which keep these laws in place. The campaign's leaders knew that their movement needed mass popular support in order to face the government, so they sought to accrue one million signatures on their petition for legal change. Collection of signatures also promotes cooperation between different sectors of society. This helps lay the ground for bottom-up change via public education and promotion of dialogue between diverse groups of people; it seeks to build a stronger relationship between intellectuals and ordinary people.¹¹ Through this type of cooperation, the movement identifies women's needs and amplifies their voices.

As the campaign gathered support across the country, expanding from Tehran to Tabriz, Esfahan, Hamedan, Gorgan, Zanzan, Karaj, Yazd, and Kermanshah by the end of 2006, it proved that demand for legal reform was not limited to a particular group of human rights activists but encompassed everyday people from all walks of life.¹² Despite the regime's censorship of the movement's activities

بالا بود که برای رسیدن به این مقصود، دو راه را مد نظر داشت، یکی آموزش عمومی و دیگری ارتقا گفتگو میان گروه‌های مختلف جامعه. جمع‌آوری امضا راهی بود برای ایجاد ارتباط قوی میان مردم عادی و روشنفکران جامعه.^{۱۱} از میان چنین همکاری، جنبش، نیازهای زنان را شناسایی کرده و صدای آنها را به گوش جهانیان می‌رساند.

تنها ظرف یک سال، کمپین در سراسر کشور گسترش یافت و علاوه بر تهران، شهرهایی چون تبریز، اصفهان، همدان، گرگان، زنجان، کرج، یزد و کرمانشاه از جنبش حمایت کردند که این امر بیان‌کننده این واقعیت است که خواسته



تغییر قانون، تنها منحصر به گروه کوچکی از جامعه نیست.^{۱۲} علی‌رغم اینکه دولت بسیار تلاش نمود تا فعالیت‌های جنبش زنان را محدود کند و نوشته‌های فعالین را سانسور نماید، اعضای کمپین به خوبی توانستند آگاهی عمومی را نسبت به حقوق زنان افزایش و اندیشه برابری اجتماعی را در جامعه ارتقا دهند، طوری که خواسته برابری جنسیتی به طور عمومی در جامعه مطرح گردید.^{۱۳} یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کمپین، اصلاح قانون ارث در سال ۱۳۸۷ بود که طبق آن زنان می‌توانند از قیمت زمین نیز ارث ببرند، چیزی که طبق قانون مدنی

and writings, the campaign has effectively raised ordinary people's awareness of women's rights, promoted the idea of societal equality, and publicized women's demands.¹³ One example of the movement's practical achievements is its successful pressuring of Parliament to amend the inheritance law in 2008, giving women the right to inherit their husband's property. Also in 2008, women were granted the right to equal blood money in accidents covered by insurance companies, and Parliament prevented passage of Articles 23 and 25 of the "Family Protection" bill proposed by the Ahmadinejad government in 2007, which would have enabled men to take additional wives without their first wife's consent and would have mandated that women pay a tax on their fiancée's mehr (dowry gift).

As part of outreach, campaign activists talk face to face with women at their homes and public places. The campaign's "education committee" trains these activists in the legal issues the campaign focuses on, as well as methods of communicating with people and collecting signatures. "Train-the-trainer" sessions educate women's rights activists, who can go out and expand the campaign's support base by hosting training sessions of their own across the country.¹⁴ This informal learning approach resonates well with the country's student movement, who help to disseminate the message of equality from within the massive university system.¹⁵

The campaign's pamphlets explain the legal issues the campaign focuses

از آن بی‌بهره بودند. همچنین در خرداد ۱۳۰۷، مقررات مربوط به دیه، دستخوش اصلاحاتی شد، بدین ترتیب که در تصادفات تحت پوشش بیمه، دیه زن و مرد برابر گردید. همچنین، در نتیجه اعتراضات وارد بر لایحه حمایت خانواده که توسط دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۶ پیشنهاد شده بود، سرانجام مجلس در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۸۷، مواد ۲۳ و ۲۵ لایحه را حذف نمود. ماده ۲۳ لایحه تعدد زوجات را بدون رضایت زن اول برای مردان مجاز می‌دانست. طبق ماده ۲۵ نیز زن موظف بود در بدو ازدواج، مالیات مهریه خود را بپردازد.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های کمپین، گفتگوی رودررو با زنان در خانه‌ها و مکان‌های عمومی است. کمیته آموزش کمپین، مسائل حقوقی مورد توجه کمپین، روش‌های برقراری ارتباط با مردم و جمع‌آوری امضا را به فعالین آموزش می‌دهد. این دوره‌های آموزشی، فعالین حقوق زنان را آماده می‌کند تا بتوانند این آموزه‌ها را به دیگران انتقال دهند.^{۱۴} این رویکرد آموزشی موجب پیوند کمپین و جنبش دانشجویی گردیده تا پیام برابری خواهی را در کل نظام آموزشی گسترش دهد.^{۱۵}

جزوات کمپین، مسائل حقوقی مورد توجه کمپین را مورد بحث قرار می‌دهند که عبارتند از: حق ازدواج، طلاق، حضانت، برابری در روابط خانوادگی، اعطاء تابعیت به فرزندان، دیه، ارث، شهادت، دسترسی به پست‌های بالای مدیریتی، سن مسئولیت کیفری، قتل‌های ناموسی، سنگسار و حجاب اجباری.^{۱۶}

پس از جمع‌آوری یک میلیون امضا، کمپین خواسته اعتراضی خود مبنی بر تغییر

on, including equality in marriage and divorce, child custody, and family relations; the right to pass on citizenship to one's children; equality in blood money, inheritance, and giving testimony; access to leadership positions; changing the age of criminal responsibility; and banning honor killings, stonings, and compulsory hejab.¹⁶

After collecting one million signatures, the campaign plans to present the petition to Parliament and lobby the legislature to enact legal change, as it has already begun doing. The campaign has continually accepted online petition signatures as a sign of mass popular support, although it will not include these signatures in its official tally.

Leadership

The One Million Signatures Campaign was initially founded by 54 activists, including well-known lawyers such as Shirin Ebadi, prominent women's rights activists and journalists such as Noushin Ahmadi Khorasani, Narges Mohammadi, Parvin Ardalan, Zhila Bani Yaghoob, Fariba Davoodi Mohajer, and Bahareh Hedayat.¹⁷ The campaign also received quick support from celebrities including directors Tahmineh Milani, Pooran Derakhshandeh, and Rakhshan Bani Etemad, and poet Simin Behbahani.

Despite the involvement of such prominent figures, the campaign remains primarily a grassroots movement. Its founders deliberately chose to avoid a traditional hierarchical leadership model, believing that such a system "failed to

قوانین تبعیض آمیز را همراه با امضاها تقدیم مجلس می‌کند و همان‌طور که در بالا اشاره شد، در مواردی مذاکرات فعالین کمپین با نمایندگان به نتایج مثبتی رسیده است. کمپین همچنان به جمع‌آوری امضا ادامه می‌دهد و جهت نشان دادن حمایت گسترده مردمی، امضاها را آن‌لاین نیز پذیرفته می‌شوند، هرچند که در سطح رسمی مورد استفاده قرار نخواهند گرفت.

رهبری

کمپین یک میلیون امضا، ابتدا با حضور ۵۴ نفر بنیان نهاده شد. حقوق‌دانانی چون شیرین عبادی به همراه فعالان برجسته حقوق زنان و روزنامه‌نگارانی چون نوشین احمدی خراسانی، نرگس محمدی، پروین اردلان، ژیلای بنی‌یعقوب، فریبا داودی مهاجر و بهاره هدایت در میان این افراد بودند.^{۱۷} همچنین هنرمندان مشهوری همچون تهمینه میلانی، پوران درخشنده، رخشان بنی‌اعتماد و سیمین بهبهانی نیز حمایت خود را از کمپین اعلام کردند.



علی‌رغم حضور چهره‌های شاخص، کمپین به صورت کاملاً مردمی اداره می‌شود، بدین صورت که سعی می‌شود از مدل رهبری سنتی سلسله مراتبی اجتناب شود چرا که به

create opportunities for ordinary people - meaning especially younger and lower-income women - to become involved in trying to improve unjust laws.”¹⁸

As the campaign attracted new members, they built a team around the idea that “there can be many paths to the same goal and that we do not need to form an absolute consensus... in order to make progress.”¹⁹ The movement asks its members to agree only on a basic set of principles, thus encouraging inclusiveness and discouraging warring factions.²⁰ The campaign believes that “there is no single formula for building a relationship with different groups, but [basic] principles should be respected. Audience diversity requires different formulas to build relationships.” The campaign's petition, statement of goals, and “Effects of Laws on Women's Lives” pamphlet are the main documents on which members' activities are based. Members are empowered to follow these principles in their own ways - for instance, by using journalism or the arts.²¹ As one of the campaign members says, “Wherever we strive to campaign, we act in accordance with the [local] geographic and social conditions. That's why local activists must be the ones to work on [their own] campaign sites. I think the campaign has been successful in large cities such as Esfahan, Tabriz, and Rasht because of the quality of the activists in those cities.”²²

All activists, including both men and women, throughout the country and abroad, are able to join the campaign. The

عقیده فعالان کمپین، چنین سیستمی نمی‌تواند اجازه مشارکت عمومی را برای افراد عادی جامعه به خصوص جوانان و زنان کم‌درآمد فراهم آورد.^{۱۸}

با توجه به حمایت گسترده از کمپین و پیوستن گروه وسیعی از مردم، کمپین تصمیم گرفت تا به اعضا درجه‌ای از خودمختاری اعطا کند، چرا که به عقیده نوشین احمدی خراسانی، راه‌های زیادی برای رسیدن به هدف مشترک وجود دارد.^{۱۹} کمپین از اعضا می‌خواهد تنها بر اصول اساسی کمپن پایبند باشند تا از پراکندگی اعضا جلوگیری شود.^{۲۰} به عقیده کمپین، یک فرمول مشخص برای برقراری ارتباط با گروه‌های مختلف وجود ندارد و تنها اصول اولیه کمپین باید مورد احترام قرار گیرد. تنوع در مخاطبین، مستلزم تنوع در راه‌های برقراری ارتباط با مخاطبین می‌باشد. بیانیه کمپین، جزوه حقوقی تاثیر قوانین بر زندگی زنان و کلیات طرح یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز، سه سند اصلی هستند که تمامی فعالیت‌ها می‌بایست بر مبنای آنها باشد و اعضا می‌توانند از این اصول به طریق خویش پیروی کنند، به طور مثال از طریق روزنامه‌نگاری یا فعالیت‌های هنری.^{۲۱} همان‌طور که یکی از اعضای کمپین می‌گوید: «باید در هر شهری با توجه به پتانسیل شهر و توان کنشگران آن، به گسترش برابری زنان و مردان همت کرد... در واقع در هر کجا که بخواهیم کمپین را بکاریم، باید با توجه به شرایط جغرافیایی و اجتماعی آنجا عمل کنیم تا به بار بنشیند. به همین دلیل باید با کنشگران بومی آنجا رفت و آمد داشته باشیم، آنها در سایت‌های کمپین بنویسند و... من فکر می‌کنم اگر کمپین در شهرهای بزرگی مثل تبریز، رشت و اصفهان موفق بوده به

campaign is currently based in about 20 Iranian cities and ten additional countries around the world. When people wish to organize a campaign activity in their town, they contact the “cities” committee before moving forward locally. The movement encourages independence within its committees, and regional groups both contribute to the main campaign website and maintain their own sites.²³ Small groups are empowered to make decisions on their own, and responsibilities are regularly rotated between people and groups “so that none may begin claiming a certain area as ‘her’ or ‘our’ domain.”²⁴

Civic Environment

Since Iran’s 1979 revolution, according to Freedom House, “the country’s theocratic rulers have harshly repressed citizens’ democratic aspirations.”²⁵ The unelected Supreme Leader is the highest-ranking leader in the country, holding complete control over the country’s security apparatus. In a 1993 UN resolution, the General Assembly expressed its concern over “the high number of executions, cases of torture and cruel, inhuman or degrading treatment or punishment, the standard of the administration of justice, the absence of guarantees of due process of law, discriminatory treatment of certain groups of citizens... and restrictions on the freedom of expression, thought, opinion and the press...”²⁶

According to Freedom House, after President Mahmoud Ahmadinejad came to power in 2005, “respect for political

دلیل وجود کنشگران خوب در آن شهرها است.»²³

کلیه افراد، چه در داخل و چه خارج از کشور می‌توانند به کمپین بپیوندند. کمپین هم‌اکنون در ۲۰ شهر ایران و ۱۰ کشور دیگر فعال است. جهت راه‌اندازی کمپین در یک شهر، می‌بایست با کمیته شهرها هماهنگی به عمل آید. کمپین، استقلال کمیته‌ها و گروه‌های محلی را مورد توجه خاص قرار می‌دهد.²³ گروه‌های کوچک می‌توانند خود در تصمیم‌گیری مشارکت داشته و در چنین شرایطی در واقع مردم و گروه‌ها مسئول فعالیت‌های خود می‌باشند به صورتی که کسی نمی‌تواند حوزه مشخصی را به صورت انحصاری برای خود در بیاورد.²⁴

فضای مدنی

طبق گزارش خانه آزادی، از سال ۱۳۵۷، حاکمان مذهبی در ایران، آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران را با شدت تمام سرکوب کرده‌اند.²⁵ رهبر جمهوری اسلامی که طبق قانون اساسی بالاترین مقام کشور است، کنترل نیروهای امنیتی را به طور کامل در دست دارد. در سال ۱۹۹۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای نگرانی خود را نسبت به آمار بالای اعدام‌ها، شکنجه، عدم اجرای عدالت، عدم حاکمیت قانون، رفتار تبعیض‌آمیز با شهروندان، محدودیت‌های وارده بر آزادی بیان، فکر، عقیده و مطبوعات، ابراز کرد.²⁶

مطابق گزارش خانه آزادی، پس از آنکه محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴، به ریاست جمهوری رسید، حقوق سیاسی و آزادی‌های فردی در وضعیت بسیار اسفناکی قرار گرفت و جامعه مدنی بیش از پیش منزوی گردید.²⁷ در

rights and individual liberties has further deteriorated, and civil society has grown ever more isolated.²⁷ In June 2009, Ahmadinejad was re-elected despite widespread charges of fraud, and Iranians rose up in protest across the country. Security forces violently repressed the demonstrations, tightened restrictions on freedom of speech, and intimidated, arrested, tortured and raped activists.²⁸

In this increasingly repressive environment, the regime views the One Million Signatures Campaign as a threat to national security. From the beginning, the state resisted the campaign, preventing its founders from holding an opening ceremony. It has blocked public conferences and seminars on women's rights, forcing campaign members to hold sessions in their homes – although security forces have even raided home sessions and interrogated homeowners.²⁹ During the post-2009 election period, One Million Signatures campaign activity has become less intense and less publicized. Nonetheless, campaign members have sought to strengthen the movement by recruiting activists who became active in the aftermath of the 2009 election.³⁰ However, many women's rights activists have left the country since June 2009, necessitating the use of the internet to maintain activist networks. According to one of the campaigners in exile, "Although the post-election violence has affected the women's rights movement, networking has prevented the campaign from collapsing."³¹ As human rights lawyer Nasrin Sotoudeh

خرداد ۱۳۸۸ نیز علی‌رغم اتهامات مربوط به تقلب انتخاباتی، محمود احمدی‌نژاد بار دیگر قدرت را دست گرفت و واکنش‌های اعتراضی مردم نسبت به تقلب انتخاباتی با سرکوب شدید مواجه گردید. آمار بالای کشته‌شدگان و زندانیان، شکنجه و فقدان آزادی بیان، از جمله نتایج خرداد ۸۸ بود.^{۲۸}

در چنین وضعیت خفقان‌آوری، کمپین یک میلیون امضا از دید حکومت، تهدیدی است برای امنیت ملی کشور. از ابتدای فعالیت کمپین، حکومت، محدودیت‌های شدیدی بر فعالیت‌های آن وارد کرد، طوری که نیروهای امنیتی مانع برگزاری مراسم افتتاحیه کمپین در موسسه رعد شدند. از آن تاریخ به بعد، حکومت از شیوه‌های مختلف برای سرکوب کمپین استفاده کرده است. نیروهای امنیتی مانع برگزاری جلسات عمومی کمپین می‌شدند به طوری که اعضا مجبور بودند این جلسات را در خانه‌هایشان برگزار کنند که البته آن نیز با مقابله حکومت مواجه می‌شد. مقامات امنیتی به خانه‌های اعضا حمله کرده و آنها را دستگیر می‌کردند.^{۲۹} پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری، جنبش زنان با محدودیت‌های بسیاری مواجه گردید. با این وجود، کمپین توانسته است با اعضای جنبش‌های مدنی دیگر پیوند خورده و آرمان‌های کمپین را زنده نگاه دارد.^{۳۰} پس از خرداد ۸۸، بسیاری از فعالان حقوق زنان مجبور به ترک کشور شدند و این امر موجب گردید تا فعالیت‌های خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی ادامه دهند. یکی از اعضای کمپین در تبعید، معتقد است «با وجود اینکه نمی‌توان پیامدهای خروج بخشی از بدنه فعال و با تجربه جنبش زنان و شدت گرفتن فشار و سرکوب بر اعضای فعال

puts it, "While the campaign's external activities have subsided, this movement has not been repressed."³²

So far, over 50 members have been arrested for their involvement in the campaign, while hundreds more have had their passports revoked or have been barred from the education system.³³ The government has shut the campaign's website down dozens of times, and many members who are not incarcerated are under constant surveillance.³⁴ Campaign members have been sentenced to imprisonment, flogging, and deportation on charges such as acting against national security, propaganda against the state, and disturbing public opinion. The UN Secretary General's March 2011 report on human rights in Iran highlighted state retribution against members of the One Million Signatures Campaign.³⁵ Furthermore, a March 2011 Human Rights Watch statement describes how "security forces and judiciary officials routinely have subjected female activists to threats, harassment, interrogations, and imprisonment..."³⁶

Message and Audience

The movement aims to "back its demands with a popular following powerful enough to make lawmakers take notice and begin discussing legal reform with representatives from the women's rights movement."³⁷ The campaign believes that the current laws do not reflect today's social norms, and so they must be reformed. By educating women and

جنبش زنان را نادیده گرفت، اما تجربه کار در درون شبکه‌های اجتماعی توانسته است مانع فروپاشی جنبش زنان شود و ارتباط حداقلی آنها را برای ادامه کار مشترک حفظ کند.^{۳۱} نسرين ستوده نیز معتقد است، علی‌رغم فشارهای زیاد بر کمپین، جنبش زنان همچنان به راه خود ادامه می‌دهد.^{۳۲}

تا الان، بیش از ۵۰ تن از اعضای کمپین، صرفاً به دلیل فعالیت‌هایشان در کمپین بازداشت شده و این در حالی است که صدها نفر از فعالین کمپین، از تحصیل محروم گشته و یا ممنوع‌الخروج گردیده‌اند.^{۳۳} بارها دولت، وبسایت کمپین را فیلتر کرده و اعضا را مورد بازجویی قرار داده است.^{۳۴} با اتهاماتی چون اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی، اعضای کمپین دستگیر شده و احکامی مانند حبس، شلاق و تبعید علیه آنان صادر گردیده. دبیر کل سازمان ملل متحد در اسفند سال ۱۳۹۰، طی گزارش خود نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران، اعمال مجازات علیه اعضای کمپین را مورد توجه قرار داده است.^{۳۵} به علاوه، گزارش دیده‌بان حقوق بشر در اسفند ۱۳۹۰، نشان می‌دهد که چگونه نیروهای امنیتی و مقامات قوه قضاییه، فعالین کمپین را مورد تهدید، بازجویی و بازداشت قرار می‌دهند.^{۳۶}

پیام و مخاطب

بنابه گفته نویسنده خراسانی، جنبش زنان با حمایت‌های گسترده مردمی در پی تاثیرگذاری بر قانون‌گذاران است تا بتواند آنها را متوجه موارد نقض حقوق زنان و لزوم اصلاح قانونی کند.^{۳۷} به اعتقاد کمپین، قوانین حاضر، بازتاب هنجارهای اجتماعی حاضر نیست و می‌بایست تغییر یابند. از

obtaining their signatures, the campaign reaches beyond feminist advocates to make every person who signs the petition a member of the movement. According to Mahnaz Afkhami, former minister of women's affairs in Iran prior to the revolution and founder and president of the Women's Learning Partnership, "The campaign brings to mind the image of raindrops falling, forming rivulets, and then converging on an ever-larger scale until they become a river. First there is a murmur, a trickle, and then, gradually, a torrent of voices sounding together and reaching far and wide."³⁸

As such, its primary target is Iranian lawmakers, but it also focuses on reaching a wide, general audience as both a means to exert pressure on lawmakers and as a means to raise the awareness of society at large. The campaign approaches potential signees in spaces traditionally reserved for women, such as homes, but also parks, universities, production centers, factories, health centers, religious gatherings, sports centers, and public transportation centers.

However, the campaign is not biased towards women only; since the start of its activities, men and women have cooperated together to promote the concept of societal equality. Furthermore, in order to reach diverse sectors of society, including religious groups, the campaign declares that its demands do not conflict with Islam; rather, they seek legal reform based on a dynamic interpretation of sharia law. As one campaign member says, "Most of the women campaigners are Muslims. They

طریق آموزش و جمع‌آوری امضا، کمپین نه تنها در میان مدافعین حقوق زنان که در میان اقشار مختلف جامعه خواسته‌های خود را مطرح می‌کند. مهناز افخمی، وزیر مشاور در امور زنان قبل از انقلاب و بنیان‌گذار و رئیس سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، معتقد است، جنبش زنان مانند قطرات باران است که کم‌کم به رود تبدیل می‌شود. کمپین در ابتدا به صورت زمزمه‌ای بوده در میان فعالان حقوق زنان و کم‌کم تبدیل به موجی از صداهای مختلف گردیده که همراه با یکدیگر به آن سوی مرزها نیز گسترانید شده است.^{۳۸}

بنابراین می‌توان گفت که کمپین در ابتدا قانون‌گذاران را مورد هدف قرار داده تا از این



طریق، آنها را وادار به اصلاحات قانونی کنند و در مرحله بعد، اقشار مختلف برای بالا بردن سطح آگاهی جامعه نسبت به حقوق زنان. کمپین در منازل و مکان‌های عمومی مختلف از جمله پارک‌ها، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، مراکز پزشکی، مذهبی، ورزشی... با افراد صحبت کرده تا حمایت آنها را برای جنبش زنان جلب کند.

جهت ارتقا مفهوم برابری میان همگان،

always say: We believe in Islam; we are just challenging these laws and saying these laws are not suitable for now'.³⁹ In fact, the campaign has cited such reputable Islamic leaders as Ayatollah Yousef Sanei and Ayatollah Bojnourdi, who support reforms to discriminatory laws.⁴⁰ The campaign also follows the tradition of ijtehad - using independent reasoning in religious interpretation of the Qur'an - and sunnah (the practices of Mohammed, Islam's prophet), which allows religious leaders to adapt religious rules to societal changes.

The movement has kept its message apolitical, casting its demands within the framework of Iran's existing laws without announcing opposition to the state's political foundations. Simultaneously, the campaign maintains its independence by not receiving funding from any governmental, domestic, or international organization.⁴¹ While it has tried to establish that as such, it poses no threat to the state, the campaign has still been suppressed by security forces, like other peaceful social movements. Indeed, according to prominent women's rights activist Parvin Ardalan, due to Iran's closed political environment, social movements such as this are often politicized, even against their will.⁴²

Outreach Activities

The campaign's objective, according to member Fariba Davoodi Mohajer, "was to go from local to regional networking, and from there on to international networking."⁴³ As such, the One Million

کمپین، تمامی افراد جامعه اعم از زن و مرد را مورد خطاب قرار می‌دهد. به علاوه برای اینکه جنبش زنان بتواند حمایت گروه‌های مذهبی جامعه را نیز به خود جلب کند، عدم مغایرت خواسته‌هایشان با اسلام را به صراحت اعلام نموده و خواهان تفسیر پویا از دین می‌باشد. بنا به گفته یکی از اعضای کمپین، بیشتر فعالان زن در کمپین، مسلمان می‌باشند. آنها همیشه می‌گویند: ما به اسلام معتقد هستیم و تنها قوانین حاضر را به چالش کشیده و معتقدیم که این قوانین با شرایط حاضر جامعه مطابقت ندارد.^{۳۹} جهت ارائه تفاسیر پویا از دین، کمپین از نظریات فقهایی چون آیت‌الله صانعی و آیت‌الله بجنوردی بهره برده است.^{۴۰} اجتهاد یکی از منابع فقه پویا بوده که کمپین از آن، جهت انطباق قوانین اسلامی با تغییرات اجتماعی از طریق فقهای متجدد بهره می‌برد.

کمپین خود را از جهت‌گیری‌های سیاسی بری نموده و جهت حفظ استقلال خویش، از هیچ نهاد داخلی یا خارجی، منابع مالی دریافت نمی‌کند.^{۴۱} البته علی‌رغم مسالمت‌آمیز بودن فعالیت‌های جنبش زنان به دور از مواضع سیاسی، بارها کمپین مورد هدف حکومت قرار گرفته. به عقیده پروین اردلان، به خاطر فضای سیاسی بسته جامعه حاضر ایران، جنبش‌های اجتماعی نظیر جنبش زنان، علی‌رغم میل باطنی‌شان در مسیر سیاسی قرار می‌گیرند.^{۴۲}

فعالیت‌های فراگستر

بنا به گفته فریبا داودی مهاجر، کمپین در پی شبکه‌سازی در سطح محلی، منطقه‌ای و در نهایت بین‌المللی بوده است.^{۴۳} کمپین توانسته

Signatures Campaign has built networks with more narrowly defined women's rights groups such as the Campaign Against Stoning. Parvin Ardalan says, "The concept of equality increased our sensitivity to inequality in diverse areas... it was the common point between us and students, minorities, and even workers' movements..."⁴⁴ During the 2009 presidential campaign, for example, the movement rallied together over 40 women's and human rights groups in a coalition that persuaded all the presidential candidates to state their positions on women's issues - a significant first in Iranian politics.⁴⁵ Furthermore, during the post-2009 presidential election unrest, the campaigners created a support network to help detainees' families, especially women, by accompanying families to prisons, joining protests in front of prisons, and educating protesters about citizens' rights.

During the following two years, many of the campaign activists had to leave the country, but continued to publicize human rights violations in Iran through the media, civic associations, and international organizations. As one activist says, "The outside world gives us new capabilities. Freedom of expression and the associated opportunities have enabled us to be active and serve as the voice of activists in Iran."⁴⁶ Furthermore, cooperation between these recent exiles and longtime Iranian expatriates has created solidarity between different groups of women in Iran and abroad and enabled them to appeal to the international community more directly.⁴⁷

است با شبکه‌های محدودتری در زمینه حقوق زنان نیز همچون کمپین علیه سنگسار، ارتباط برقرار کند. پروین اردلان معتقد است «مفهوم برابری حساسیت ما نسبت به نابرابری در زمینه‌های مختلف را برانگیخته است... و در واقع این امر نقطه مشترکی است میان ما، جنبش‌های دانشجویی، اقلیت‌ها و حتی جنبش‌های کارگری...»^{۴۴} طی کمپین دهمین انتخابات ریاست جمهوری، جنبش زنان در ائتلافی به همراهی بیش از ۴۰ گروه فعال حقوق بشر، سعی در مطرح کردن مفهوم برابری در میان خواسته‌های کاندیداها داشتند.^{۴۵} همچنین، پس از انتخابات نیز، اعضای کمپین در حمایت از خانواده‌های زندانیان، به خصوص زنان، شبکه‌ای را ایجاد کردند تا خانواده‌ها را پشت درب زندان‌ها همراهی کرده، در اعتراضاتشان شرکت کرده و تجارب خود را به خانواده‌ها انتقال دهند.

در طی دو سال اخیر، بسیاری از فعالان کمپین مجبور به ترک کشور شدند و سعی کردند تا از طریق رسانه‌های آزاد، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی، موارد نقض حقوق بشر در ایران را انعکاس دهند. بنا به گفته یکی از فعالان، دنیای بیرونی امکانات بسیاری به ما می‌دهد، آزادی بیان و تجمعات امکان فعالیت آزاد را به ما داده طوری که بتوانیم صدای فعالان در ایران را انعکاس دهیم.^{۴۶} به عقیده یکی دیگر از اعضای کمپین، «در این میان، آن بخش از فعالان جنبش زنان که به تازگی ایران را ترک کرده‌اند، با حضور خود در جمع زنان فعال خارج از ایران و ارتباطات گسترده و عمیق با فعالان زن داخل ایران، توانستند مرز بین فعالان «داخل و خارج» را تا حد خیلی زیادی کمرنگ کنند و پل ارتباطی قابل اطمینانی بین این دو بخش از جنبش زنان

On a global level, the support of Nobel laureate Shirin Ebadi has also played a crucial role in giving the movement an international profile, while international human rights activists like the Dalai Lama have also expressed their support for the movement. For their work, various members of the campaign have received international recognition, including the 2007 Olof Palme Prize, the 2008 Reporters Without Borders/Deutsche Welle award, the 2009 Simone De Beauvoir Prize for Women's Freedom, the 2009 Feminist Majority Foundation Global Women's Rights Award, and the 2009 Glamour Women of the Year Award.⁴⁸

By the end of 2009, though the petition's signatures had not been officially counted, it was estimated that the campaign had collected hundreds of thousands of signatures.⁴⁹ "We feel we achieved a great deal, even though we are faced with security charges," says a co-founder of the campaign. "No one is afraid to talk about more rights for women anymore. This is a big achievement."⁵⁰

باشند.^{۴۷}

در سطح جهانی نیز شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، نقش مهمی را در مطرح کردن خواسته‌های زنان در سطح جهانی ایفا نموده و این در حالی است که افراد سرشناسی چون دالای لاما، حمایت خود را از جنبش زنان در ایران اعلام کرده‌اند. چند تن از اعضای کمپین نیز به دلیل فعالیت‌هایشان در کمپین، جوایز بین‌المللی دریافت نموده‌اند؛ از جمله آنها عبارتند از: جایزه اولاف پالمه ۲۰۰۷، جایزه دوپچه وله / گزارشگران بدون مرز ۲۰۰۸، جایزه سیمون دوبوار برای آزادی زنان ۲۰۰۹، جایزه حقوق زنان جهان بنیاد اکثریت فمینیستی ۲۰۰۹ و جایزه زنان منتخب سال مجله گلور ۲۰۰۹.^{۴۸}

تا پایان سال ۲۰۰۹، اگرچه امضاها به طور رسمی شمارش نشده، اما تخمین زده می‌شود که صدها هزار امضا جمع‌آوری گردیده.^{۴۹} یکی از بنیان‌گذاران کمپین می‌گوید: ما به موفقیت بزرگی دست یافتیم اگرچه با سرکوب‌های حکومتی مواجه بودیم، دیگر هیچ‌کس از صحبت کردن درباره حقوق زنان ترسی ندارد و این موفقیت بسیار بزرگی است.^{۵۰}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

۱. احمدی خراسانی، نوشین. سرنوشت حقوق حمایت خانواده: «مصاحبه نوشین احمدی خراسانی با مهناز افخمی، دومین وزیر زن در ایران»، ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸. مدرسه فمینیستی.
۲. نوشیروانی، ریحانه. «زنان ایرانی در عصر مدرن: یک تاریخ شماری»، ۲۵ اگوست ۲۰۰۹. بنیاد مطالعات ایران.
۳. نوشیروانی، ریحانه. «زنان ایرانی و جمهوری اسلامی: یک تاریخ شماری»، ۲۵ اگوست ۲۰۰۹. بنیاد مطالعات ایران.
۴. عبادی، شیرین. بیداری ایران: سفر یک زن برای اصلاح زندگی و کشورش. نیویورک: خانه تصادفی، ۲۰۰۷، ۵۱.
۵. کار، مهرانگیز. «زنان، قربانیان انقلاب ایران»، ۵ مارس ۲۰۱۰. گذار.
۶. احمدی خراسانی، نوشین. کمپین یک میلیون امضا زنان ایرانی برای برابری: داستان داخلی. واشنگتن دی‌سی: مشارکت در یادگیری زنان، ۲۰۱۰، ۵.
۷. مدرسه فمینیستی، «سه سند اصلی کمپین»

۸. مدرسه فمینیستی، روز همبستگی زنان ایران، تاریخچه، ۲۲ خرداد ۲۰۰۸.
9. Power, Carla. "the women of Iran's One Million Signatures Campaign: The Activists." *Glamour Magazine*. November 3, 2009.
۱۰. کمپین یک میلیون امضا. «درباره کمپین» (کمپین چیست؟) تغییر برای برابری. ۳۰ جون، ۲۰۰۸. مدرسه فمینیستی، «روایت اوج و افول کمپین یک میلیون امضا»، ۲۱ آگوست ۲۰۱۰.
۱۱. داودی مهاجر، فریبا. کمپین یک میلیون امضا.
۱۲. کمپین یک میلیون امضا. «درباره یک میلیون امضا که خواهان تغییرات قوانین تبعیض آمیز هستند»، تغییر برای برابری. ۲۸ آگوست، ۲۰۰۶.
۱۳. جعفری، مینا. «کمپین یک میلیون امضا: چهار سال تحرك، تنش و تجربه»، رادیو زمانه. ۴ سپتامبر، ۲۰۱۰.
۱۴. کمپین یک میلیون امضا. «درباره یک میلیون امضا که خواهان تغییرات قوانین تبعیض آمیز هستند»، تغییر برای برابری. ۲۸ آگوست، ۲۰۰۶.
۱۵. داودی مهاجر، فریبا. «مصاحبه با توانا» ۲۰۱۰.
۱۶. کمپین یک میلیون امضا. درباره کمپین، «کمپین چیست»، تغییر برای برابری. ۳۰ جون، ۲۰۰۸.
۱۷. اعضای که در طول شش ماه اول فعالیت کمپین به آن پیوستند.
۱۸. خراسانی، ص. ۴۷.
۱۹. خراسانی، ص. ۵۴.
۲۰. خراسانی، ص. ۷۱.
۲۱. کمپین یک میلیون امضا. درباره کمپین. «چگونه به کمپین بیونددیم»، تغییر برای برابری. ۶ می، ۲۰۰۸.
۲۲. مسجدی، فاطمه. «دست یافتن به برابری به سادگی ممکن نیست»، قانون خانواده برابر، ۴ سپتامبر، ۲۰۱۰.
۲۳. خراسانی، ص. ۶۷.
۲۴. خراسانی، ص. ۷۰.
۲۵. خانه آزادی، «ایران (جامعه مدنی)»
۲۶. «مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حوزه حقوق بشر»، ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳، مصوبه شماره A/RES/48/145.
۲۷. خانه آزادی.
۲۸. خانه آزادی. «آزادی در جهان ۲۰۱۱: ایران»
۲۹. «اللهیاری، پرستو»، کمپین یک میلیون امضا. تغییر برای برابری. ۸ نوامبر، ۲۰۰۸.
۳۰. مظفری، کاوه.
۳۱. حسین خواه، مریم. «مهاجرت فعالان زن و تغییر مرزهای جنبش زنان» قانون خانواده برابر. ۹ مارس. ۲۰۱۱.
۳۲. «کمپین یک میلیون امضا، چهار سال بعد»، دویچه وله. ۲۶ آگوست، ۲۰۱۰.
33. Power, Carla. "The Woman of Iran's One Million Signatures Campaign: The Activist." *Glamour Magazine*. November 3, 2009.
۳۴. همان
۳۵. گزارش موقت از دبیر کل سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، بیانیه شماره A/HRC/16/75، ۱۴ مارس، ۲۰۱۱. متن پی‌دی‌اف.
۳۶. «ایران: برابری برای زنان را در ماه مارس اجازه بدهید»، دیده بان حقوق بشر، ۷ مارس، ۲۰۱۱.
۳۷. خراسانی، ص. ۶۰.
۳۸. خراسانی، ص. ۲.

۳۹. «یک نفر بین یک میلیون: مصاحبه لایلا علی کرمی»، مجله نیو اینترنشنالیست. ۲۲ اکتبر، ۲۰۰۹.
۴۰. کمپین یک میلیون امضا. درباره کمپین. «کمپین چیست؟» تغییر برای برابری. ۶ می، ۲۰۰۸.
۴۱. همان
۴۲. اردلان، پروین. «کنکاشی در هویت جنشی ما و رفتار جنشی»، ۱۵ جولای، ۲۰۱۰.
۴۳. داودی مهاجر، فریبا. «مصاحبه با توانا»، ۲۰۱۰.
۴۴. اردلان، پروین.
۴۵. خراسانی، ص. ۹۰-۱
۴۶. امینی، آسیه. «اعتراض زنان در بیرون، ادامه کنشگری است»، رادیو زمانه. ۱ نوامبر ۲۰۱۰.
۴۷. حسینی خواه، مریم.
۴۸. طهماسبی، سوزان. «کمپین یک میلیون امضا: پاسخ هایی به متداول ترین سوالات مطرح شده شما»، تغییر برای برابری. ۲۴ فوریه، ۲۰۰۸.
49. Power.
۵۰. فتحی، نازیلا. «شروع از خانه، جنگ زنان ایرانی برای گرفتن حقوقشان»، نیویورک تایمز. ۱۲ فوریه. ۲۰۰۹.



نجود علی

مبارزه علیه ازدواج کودکان
در یمن

Nujood Ali

The Fight Against
Child Marriage in Yemen

Vision and Motivation

In February 2008, Nujood Ali, just 10 years old, was married to a man three times her age so that her family could escape the economic burden of raising children.¹ Nujood's case was not uncommon in Yemen; in fact, most Yemeni girls marry older men before the age of 18. Nujood, who had no desire to be married, was continually raped and beaten by her 30-year old husband from the onset of their marriage. Almost two months after their wedding, Nujood escaped her husband's home and took a taxi to a courthouse in Sana'a, where she hoped to file for divorce. After waiting nearly all day at the courthouse, a compassionate judge finally

بینش و انگیزه

نجود علی در فوریه سال ۲۰۰۸، هنگامی که فقط ده سال داشت، به ازدواج مردی سه برابر سن خود درآمد تا خانواده‌اش از زیر بار مشکلات اقتصادی ناشی از بزرگ کردن کودکان خود، خلاصی یابد.^۱ مورد نجویود در یمن غیرمعمول نیست؛ در واقع اکثر دختران یمنی قبل از ۱۸ سالگی با مردانی بزرگ‌تر از خود ازدواج می‌کنند. نجویود که هیچ تمایلی به ازدواج نداشت، از آغاز ازدواج به طور مدام توسط شوهر سی ساله‌اش مورد تجاوز جنسی و ضرب و شتم قرار گرفت. نجویود پس از دو ماه از خانه شوهرش گریخت و با یک تاکسی خود را به دادگاهی در صنعا رساند. او می‌خواست درخواست طلاق کند. پس از انتظار طولانی در دادگاه، یک قاضی دل‌رحم،

heard Nujood's story and took her home to his family for the weekend; he also had both Nujood's father and husband arrested. Nujood was then assigned to human rights lawyer Shada Nasser as her counsel, who successfully made her case in a court that granted Nujood a divorce from her husband.

Once Nujood's story had been picked up by international media outlets, it raised the profile of one of Yemen's most troubling, socially-embedded customs: child brides. While several organizations exist in Yemen to combat child marriage, Nujood's case sparked an overarching call to action from both the Yemeni and international communities.

Goals and Objectives

While Nujood was focused on escaping her abusive marriage, she was also eager to return to her younger sister in order to protect her from the same fate. Nujood says, "I did it so that people would listen and think again about marrying off their daughters so young."² Shada Nasser, as Nujood's lawyer, also hoped that Nujood's high profile case would demonstrate to other young girls that they don't have to remain trapped in abusive marriages.³

Shada Nasser, alongside supportive children's and women's rights groups, agrees that the best cure for the child bride epidemic is education, which is a crucial supplementary goal for combatants of child brides in Yemen. With nearly 75% of Yemeni women illiterate and many too poor to go to school, families feel forced

داستان نجود را شنید و او را برای آخر هفته به خانه خود پیش خانواده‌اش برد؛ او همچنین دستور داد پدر و شوهر نجود، هر دو بازداشت شوند. پس از آن نجود به شادا ناصر، وکیل حقوق بشر، به عنوان مشاور وی معرفی شد. ناصر پرونده او را در دادگاه با موفقیت مطرح کرد که به پذیرش طلاق وی از شوهرش از سوی دادگاه منجر شد.

پس از آنکه داستان نجود در رسانه‌های بین‌المللی مطرح شد، موضوع ازدواج کودکان به عنوان یکی از دردسرسازترین و دیرپاترین سنت‌های یمن، مورد توجه قرار گرفت. سازمان‌های بی‌شماری در یمن به مبارزه با ازدواج کودکان می‌پردازند اما مورد نجود، زنگ فراخوان جامعه بین‌الملل و جامعه یمن را به صدا درآورد.

اهداف و مقاصد

نجود در حالی که بر گریز از ازدواج شکنجه‌آور خود تمرکز داشت، مشتاق بود که سراغ خواهر کوچک‌تر خود برود تا از او در برابر همان سرنوشت محافظت کند. نجود می‌گوید: «من این کار را کردم تا مردم در مورد شوهر دادن دختران خود در سنین پایین به سخنان دیگران گوش دهند و در این مورد دوباره بیندیشند.»^۲ شادا ناصر به عنوان وکیل نجود، امید داشت که پرونده مشهور نجود به دختران کم سن و سال دیگر نشان دهد که آنها مجبور نیستند در ازدواج‌های مبتنی بر سوءاستفاده باقی بمانند.^۳

شادا ناصر در کنار گروه‌های حامی حقوق زنان و کودکان، با این نظر موافق است که بهترین راه برای مشکل فراگیر ازدواج کودکان، آموزش است. آموزش، هدفی مکمل و جدی برای مبارزه علیه ازدواج کودکان در یمن است. تقریباً ۷۵ درصد از زنان یمنی بی‌سواد هستند و بسیاری از

to marry their daughters to older men who many hope will raise the girls.⁴ Parents generally do not believe that marriages will be consummated within the first few years, as it is forbidden by Yemeni law until the girl has reached puberty. However, in Yemen, husbands cannot be tried for sexual violence against their wives, making rape against young brides an act impossible to prevent. Changing the law is an important step, but educating young girls and convincing families not to marry their daughters at an early age are equally instrumental.⁵

Leadership

Nujood's courageous decision to end her marriage was a historic event for Yemen, as few precedents existed for her action. As Nujood said, "I'm a simple village girl whose family had to move to the capital, and I have always obeyed the orders of my fathers and brothers. Since forever, I have learned to say yes to everything. Today I have decided to say no."⁶ Nujood's accounts of the trial reveal her shock and awe that her case could draw such attention: "I would never have imagined stirring up so much interest. Me! A silent victim for so many months, suddenly propelled into the spotlight, facing all these journalists."⁷ Nujood's experience is a testament to the fact that despite age, anyone with courage can stand up for her rights. Hillary Clinton has called Nujood "one of the greatest women I have ever seen...She set an example with her courage."⁸

آنها از شدت فقر نمی‌توانند به مدرسه بروند. در این حال خانواده‌ها احساس اجبار می‌کنند که دختران خود را به مردان مسن‌تر شوهر دهند تا آنها دخترانشان را بزرگ کنند.^۴ والدین، عموماً بر این باور نیستند که ازدواج (و اعمال مربوط به آن) در چند سال اول محقق نمی‌شود و تحقق آن بر اساس قانون یمن تا زمان رسیدن دختر به بلوغ ممنوع است. اما در این کشور نمی‌توان شوهران را به خاطر خشونت جنسی علیه زنان خود محاکمه کرد. این امر باعث می‌شود که به هیچ وجه نتوان از تجاوز به دختران بسیار کم سن و سال جلوگیری کرد. تغییر قانون، یک گام بسیار مهم است اما آموزش دختران کم سن و سال و قانع کردن خانواده‌ها جهت عدم شوهر دادن دختران خود در سنین پایین، به همان اندازه اهمیت دارد.^۵

رهبری

تصمیم شجاعانه نجد برای خاتمه دادن به ازدواج خود، یک حادثه تاریخی برای یمن بود چون برای عمل او تنها چند مورد مشابه وجود داشت. نجد اظهار داشت که «من یک دختر روستایی ساده هستم که خانواده‌اش مجبور به انتقال به پایتخت بود و من همیشه از دستورات پدر و برادرانم اطاعت کرده‌ام. همواره یاد گرفته‌ام که بگویم آری. امروز تصمیم گرفته‌ام که بگویم نه.»^۶



Nujood's case would have been hard to win without the help and guidance of Shada Nasser, a prominent human rights lawyer in Yemen. Upon learning of Nujood's story from a sympathetic judge in Sana'a, Nasser contacted the Yemen Times to spread Nujood's story, leading to groundswells of international support.⁹ Nasser's desire to fight for the rights of women and girls and her refusal to be intimidated by the male-dominated courts of Yemen have led her to take on similar cases, helping child brides divorce their husbands at an increasing rate since 2008.¹⁰

Civic Environment

When North and South Yemen united in 1990, there were a number of legal gray areas that the new government ignored - the more liberal South Yemen had a minimum marriage age of 16, while the North had one of 15. Ultimately the Northern age limit was adopted; however, it was abandoned nine years later when the minimum age of marriage was altogether abolished, dooming the lives of many young girls in Yemen. Yemen has one of the highest maternal mortality rates in the world (370 per 100,000), due in large part to the fact that many girls under the age of 15 are forced to have children of their own.¹¹ There was no progress on the issue of child brides until Nujood's case went public in April 2008 and propelled the Yemeni Parliament to finally take action, drafting legislation that stipulated a minimum age of marriage at 17. Children's and women's rights groups in Yemen drew

گزارش نبود از جریان دادگاه، نشان می‌دهد او از اینکه موردش چنین توجهی را به خود جلب کرده در حیرت بوده است: «هرگز تصور نمی‌کردم که این همه علاقه به این ماجرا وجود داشته باشد. من! برای ماه‌ها یک قربانی ساکت، یک‌باره به مرکز توجه کشانده شدم و با همه این روزنامه‌نگاران مواجه گشتم.»^۷ هیلاری کلینتون، نجوود را «یکی از بزرگ‌ترین زنانی که من تاکنون دیده‌ام» خوانده است. کلینتون می‌گوید: «او با شجاعتش به یک الگو تبدیل شده است.»^۸

مورد نجوود بدون هدایت شادا ناصر، یک وکیل برجسته حقوق بشر در یمن، نمی‌توانست به موفقیت دست یابد. ناصر پس از خبردار شدن از داستان نجوود از طریق یک قاضی هم‌دل در صنعا، با روزنامه تایمز صنعا تماس گرفت تا این داستان را به اطلاع عموم برساند. این امر به سرچشمه‌ای برای حمایت بین‌المللی تبدیل شد.^۹ تمایل ناصر به مبارزه برای حقوق زنان و کودکان و مقاومت در برابر ارباب ناشی از دادگاه‌های تحت نفوذ مردان، او را به موارد مشابه کشاند. او در این موارد به کودکان کمک کرد تا با نرخی فزاینده نسبت به سال ۲۰۰۸، از شوهرانشان طلاق بگیرند.^{۱۰}

فضای مدنی

پس از اتحاد یمن جنوبی و یمن شمالی در سال ۱۹۹۰، برخی از مسایل حقوقی مورد غفلت حکومت جدید واقع شد. یمن جنوبی لیبرال‌تر، دارای حداقل سن ازدواج ۱۶ سال بود در حالی که این رقم برای شمال، ۱۵ سال بود. در نهایت حداقل سن مربوط به شمال اتخاذ شد؛ اما نه سال بعد با لغو حداقل سن ازدواج، این حداقل منتفی شد و زندگی بسیاری از دختران کم سن و سال در معرض خطر قرار گرفت. یمن دارای یکی

inspiration from Nujood's case, hoping that the publicity drawn to Yemen would facilitate the bill's passage into law.¹²

Tragically, Yemen's Sharia Committee quickly halted the signing of the bill into law. The debate continues today between conservatives who argue that Islam does not dictate an age for marriage, and liberal parliamentarians who argue that child marriages create long lasting psychological and physical harm.¹³ While the debate has continued, child brides continue to suffer the harsh realities of their plight - in September 2009, a 12-year old Yemeni child bride died in childbirth, while another died in April 2010 from internal bleeding after being raped by her husband.¹⁴

Although Nujood's case brought the issue of child brides into the open, it is still extremely difficult for young girls to obtain divorces. According to an IRIN news report, "[Nasser] has represented several child bride divorce cases in court, but admits she has lost most of them. Only a handful of child brides have successfully managed to divorce their husbands."¹⁵ She blames the fact that in a divorce, the dowry must be paid back in part or full to the husband, and often the bride's family is too impoverished pay it back in full. Moreover, because divorces can only be granted in the governorate where the marriage took place, which is often the local village of the husband, a biased tribal judge is unlikely to grant a divorce to a young girl.¹⁶

از بالاترین نرخ‌های مرگ به هنگام زایمان در دنیاست (۳۷۰ در ۱۰۰۰۰۰) و بخشی از علت آن این واقعیت است که دختران زیر ۱۵ سال مجبور به داشتن فرزند می‌شوند.^{۱۱} تا زمان مطرح شدن مورد نجد در عرصه عمومی در آوریل ۲۰۰۸، هیچ پیشرفتی در موضوع ازدواج کودکان صورت نگرفته بود. مورد نجد باعث شد که پارلمان یمن بالاخره این موضوع را مورد بررسی قرار دهد و قانونی را مورد توجه قرار دهد که حداقل سن ازدواج را ۱۷ سال تعیین می‌کند. گروه‌های حقوق زنان و کودکان در یمن از مورد نجد الهام گرفتند و امیدوار شدند که این توجه عمومی به یمن، تصویب این طرح به صورت یک قانون را تسهیل کند.^{۱۲}

متأسفانه کمیته شریعت یمن به سرعت، امضای این قانون را متوقف کرد. بحث در این مورد همچنان میان محافظه کاران که معتقدند اسلام سنی را برای ازدواج در نظر نگرفته و نمایندگان لیبرال که معتقدند ازدواج کودکان رنج‌های جسمانی و روانی دراز مدت ایجاد می‌کند، ادامه دارد.^{۱۳} با تداوم بحث، کودکان رنج‌های ناشی از واقعیات سخت این شرایط را متحمل شده‌اند. در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۹، یک دختر ۱۲ ساله به هنگام تولد فرزند خود از دنیا رفت؛ دختر نوجوان دیگری در آوریل ۲۰۱۰، از خون‌ریزی داخلی پس از تجاوز شوهر به وی مرد.^{۱۴}

گرچه مورد نجد موضوع ازدواج کودکان را در عرصه عمومی مطرح کرد، هنوز برای دختران کم سن و سال، بسیار دشوار است که طلاق بگیرند. بنا به یک گزارش خبری آی آر ای ان، «ناصر» وکالت چندین مورد طلاق کودکان کم سن و سال را بر عهده داشته است اما قبول دارد که اکثر آنها را باخته است. تنها

Message and Audience

Many organizations, such as the Yemeni Women's Union, the Seyaj Organization for Child Protection, the Girls World Communication Center, and the Sisters' Arab Forum for Human Rights not only push for legal reform, they also offer programs to help keep girls from entering into marriages at young ages. The Girls World Communication Center (GWCC), a part of the Yemeni Youth Development Foundation, was set up through Glamour Magazine with donations



to Nujood's cause to do just that.¹⁷ Located in Sana'a, the GWCC provides educational programs, including language classes and computer training, to roughly 2,000 girls each year - most of them at no cost because their families cannot afford to pay.¹⁸

Wafa Ahmad of the Yemeni Women's Union argues, "These early marriages rob the girl of the right to a normal childhood and education. The girls are forced to have children before their bodies are fully grown

تعداد اندکی از کودکان توانسته‌اند با موفقیت از شوهرانشان طلاق بگیرند.^{۱۵} او این شرایط را به این موضوع نسبت می‌دهد که در طلاق، مهریه باید کلا یا جزئا به شوهر بازپرداخت شود و اغلب خانواده عروس، فقیرتر از آنند که بتوانند این مبلغ را به طور کامل بازپرداخت کنند. فراتر از آن، به دلیل آنکه طلاق‌ها باید در جایی ثبت شود که ازدواج رخ داده که اغلب همان روستای شوهر است، یک قاضی قبیله‌ای غیر بی‌طرف، یک دختر کم سن و سال را با احتمالی اندک طلاق می‌دهد.^{۱۶}

پیام و مخاطب

بسیاری از سازمان‌ها مثل اتحادیه زنان یمنی، سازمان سیاج برای حمایت از کودکان، مرکز ارتباطات جهانی دختران و تریبون عرب خواهران برای حقوق بشر، نه تنها به دنبال پیشبرد اصلاحات قانونی هستند بلکه برنامه‌هایی نیز برای کمک به بازداشتن دختران از ورود به ازدواج در سنین پایین عرضه می‌کنند. مرکز ارتباطات جهانی دختران - شعبه‌ای از بنیاد توسعه کودکان و نوجوانان یمنی - با هدایای اختصاص یافته از سوی مجله گلامور جهت به نتیجه رسیدن هدف نجوود، شکل گرفت.^{۱۷} این مرکز که در صنعا واقع شده، سالانه برنامه‌های آموزشی شامل کلاس‌های زبان و آموزش کامپیوتر برای حدود ۲۰۰۰ دختر عرضه می‌کند. اکثر این برنامه‌ها به طور رایگان عرضه می‌شوند چون خانواده‌ها نمی‌توانند هزینه‌های آنها را پرداخت کنند.^{۱۸}

وفا احمد از اتحادیه زنان یمنی می‌گوید: «این ازدواج‌های زود هنگام، حق یک دوران کودکی عادی و آموزش را از کودکان دختر سلب می‌کند. دختران پیش از آنکه بدنشان

instead of going to school and playing with other children.”¹⁹

Outreach Activities

In 2008, both Nujood Ali and Shada Nasser became global icons when they were awarded Glamour Magazine’s Women of the Year Award. Condoleezza Rice was excited to meet Nujood, stating that she “was going to be a great inspiration.”²⁰ The publicity and recognition Nujood received via the award inspired people all over the world to donate money to a scholarship that paid for Nujood’s education, as well as the Glamour fund which later formed the GWCC. Nujood has written a book about her experience, entitled *I Am Nujood, Age 10 and Divorced*, which became an instant best-seller in France, where it was published. She is currently enrolled in a private school in Yemen thanks to generous donations.

Nujood’s story has embroiled the nation in a debate about the merits and disadvantages of a law restricting marriage to those over the age of 17. Though Nujood was only 10 at the time, her case reached the entire world, bringing the issue to the forefront of human rights policy-making in Yemen and the wider Muslim world.

کاملاً رشد کند به داشتن بچه مجبور می‌شوند به جای آنکه به مدرسه رفته و با کودکان دیگر بازی کنند.»^{۱۹}

فعالیت‌های فراگستر

در سال ۲۰۰۸، نجد علی و شادا ناصر با دریافت جایزه زنان سال مجله گلامور به چهره‌های جهانی تبدیل شدند. کوندولیزا رایس از ملاقات با نجد هیجان‌زده شد و اظهار داشت که او «در حال تبدیل شدن به یک الهام‌بخش بزرگ است.»^{۲۰} شهرت و احترامی که نجد از دریافت جایزه به دست آورد، مردم را در سراسر جهان تشویق کرد تا به یک بورس آموزشی جهت آموزش نجد و صندوق گلامور برای کمک به دختران، کمک مالی کنند. این صندوق بعداً به مرکز ارتباطات جهانی دختران تبدیل شد. نجد کتابی در مورد تجربه خویش با عنوان «من نجد هستم، ده ساله و مطلقه» نوشت که بلافاصله در محل انتشارش، فرانسه، پرفروش شد. او در حال حاضر با بهره‌گیری از کمک‌های مالی، در یک مدرسه خصوصی در یمن ثبت نام کرده است.

داستان نجد موجب درگرفتن بحث در مورد منافع و ضررهای یک قانون برای محدود کردن ازدواج افراد بالای ۱۷ سال شده است. گرچه نجد در زمان طلاق ۱۰ ساله بود، داستان او در سراسر جهان منتشر شد. این داستان موضوع سیاست‌گذاری حقوق بشری در یمن و جهان اسلام را به عرصه بین‌المللی آورد.

Footnotes

1. Daragahi, Borzou. “Yemeni bride, 10, says I won’t.” LA Times. June 11, 2008.
2. “Wedlocked.” CNN Untold Stories. August 29, 2009.
3. Daragahi.

پی‌نوشت‌ها

4. Ibid.
5. Jamjooon, Mohammed. "Yemeni child bride dies of internal bleeding." CNN. April 9, 2010.
6. Ali, Nujood and Delphine Minoui. I am Nujood, Aged 10 and Divorced. New York: Three Rivers Press, 2010. Pg. 18.
7. Ibid. pg. 108.
8. Ibid. Front cover.
9. Daragahi.
10. Hersh, Joshua. "A Ten Year Old's Divorce Lawyer." The New Yorker. March 4, 2010.
11. UNICEF Basic Statistics. "At a Glance: Yemen." March 2, 2010.
12. IRIN. "Yemen: Deep divisions over child brides." March 28, 2010.
13. Ibid.
14. Jamjooon.
15. IRIN. "Yemen: I'd rather die than go back to him." February 21, 2010.
16. Ibid.
17. Power, Carla. "Women of the Year Fund Honorees: Nujood Ali and Shada Nasser." Glamour. 2008.
18. UNIFEM. "Two Voices against Child Marriage and for Education." November 7, 2008.
19. Ibid.
20. Hersh.

Learn More

News and Analysis

- Al-Haj, Ahmed. "Yemeni Child Bride, 12, Dies in Labor." CBS News. September 13, 2009.
- Babylon & Beyond blog (LA Times). "Yemen: Child divorcee Nujood Ali takes Manhattan." November 12, 2008.
- Babylon & Beyond blog (LA Times). "Yemen: Two years after divorce, life is looking up for Nujood Ali, now age 12." 9 March, 2010.
- BBC. "Saudi child 'files for divorce.'" August 24, 2008.
- CNN. "Helping child brides break free." September 26, 2008.
- Daragahi, Borzou. "Yemeni bride, 10, says I won't." LA Times. June 11, 2008.
- Freedom House. "Yemen: Freedom in the World."
- Hersh, Joshua. "A Ten Year Old's Divorce Lawyer." The New Yorker. March 4, 2010.
- IRIN. "Yemen: Child bride gets her divorce." March 28, 2010.
- IRIN. "Yemen: Deep divisions over child brides." March 28, 2010.
- IRIN. "Yemen: I'd rather die than go back to him." February 21, 2010.
- Jamjooon, Mohammed. "Yemeni child bride dies of internal bleeding." CNN. April 9, 2010.
- Marie Claire. "Nujood Ali: Married at 9; Divorced at 10." June 11, 2010.
- Power, Carla. "Women of the Year Fund Honorees: Nujood Ali and Shada Nasser." Glamour. 2008.
- Seyaj Organization for Childhood Protection.
- UNICEF Basic Statistics. "At a Glance: Yemen." March 2, 2010.
- UNIFEM. "Two Voices against Child Marriage and for Education." November 7, 2008.

بیشتر بدانید

خبرها و مقاله‌ها

Youth Leadership Development Organization.
Wikipedia. "Nujood Ali."

Books

Ali, Nujood and Delphine Minoui. I am Nujood, Aged 10 and Divorced. New York: Three Rivers Press, 2010.

کتاب‌ها

Videos

- "Muslim girl (10) Demands Divorce." Youtube. September 2, 2008.
- "Nujood Ali 10 years old from Yemen got divorce." Youtube. September 27, 2008.
- "Wedlocked." CNN Untold Stories. August 29, 2009.

ویدئوها

ضمیمه: مرجع تصاویر

Sisters in Islam

1. U.S.-Islamic World Forum, May 2012.

Source: <http://www.flickr.com/photos/77492107@N06/7300981130/>.

Moudawana

1. UN Women, March 2012.

Source: <https://www.flickr.com/photos/unwomen/6819359412/>.

2. Mhobl, March 2013.

Source: <https://www.flickr.com/photos/87106931@N00/8590997488/>.

American Feminist Movement

1. Warren K. Leffler, January 1972.

Source: http://en.wikipedia.org/wiki/File:Gloria_Steinem_at_news_conference,_Women%27s_Action_Alliance,_January_12,_1972.jpg.

2. Warren K. Leffler, August 1970.

Source: http://en.wikipedia.org/wiki/File:Leffler_-_WomensLib1970_WashingtonDC.jpg.

3. Fred Palumbo, 1960.

Source: http://commons.wikimedia.org/wiki/File:Betty_Friedan_1960.jpg.

4. Author unknown, February 1975.

Source: <http://www.fordlibrarymuseum.gov/avproj/BettyFord3.asp>.

One Million Signatures

1. One Million Signatures Campaign.

Source: <http://www.we-change.org/english/spip.php?article334>.

2. R. Asgarizadeh, December 2006.

Source: <http://www.we-change.org/english/spip.php?article334>.

3. One Million Signatures Campaign, November 2006.

Source: <http://www.we-change.org/english/>.

4. Arash Ashoorinia, March 2006.

Source: <http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=19826>.

Nujood Ali

1. BBC World Service, December 2009.

Source: <https://www.flickr.com/photos/bbcworldservice/4165489144/>.

2. BBC World Service, December 2009.

Source: <https://www.flickr.com/photos/bbcworldservice/4164765515/>.

3. BBC World Service, December 2009.

Source: <https://www.flickr.com/photos/bbcworldservice/4164765507/>.

 آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران
<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education
<http://www.eciviced.org>
